

باید منصف بود!



عبداللطیف پدرام

رند عالم سوز را با مصلحت بینی چه کار
کار ملک است آن که تدبیر و تأمل بایش
(حافظ)

نه ملت هستیم، نه دولت - ملت. تحقق عملی این مفاهیم، نیازمند زمینه ها، فرصت ها و سازوکارهای مادی و معنوی بسیار می باشد. از لایرنت های متنوعی باید بگذریم، عبور کنیم، استراتژی ها، تاکتیک ها و راهکارها را باید بشناسیم و مشخص نماییم. نمونه های منطقه ای و جهانی ملت شدن و دولت - ملت شدن هم وجود دارند. جامعه شناسان...

ادامه صفحه ۶

بن بست در بن بست



صفحه ۶

فیفا:

باید کار شیوه ابطال آرا مشخص شود

هارون مجیدی

نماینده گان هر دو ستاد انتخاباتی می گویند، اختلافاتی که منجر به توقف تفتیش آرا گردیده بود، جدی نبود و این اختلاف ها حل گردیده و پروسه تفتیش دوباره آغاز شده است.

آنان هم چنان می گویند، به دلیل ناآشنایی ناظران هر دو تیم، کارمندان کمیسیون انتخابات با پروسه و به دلیل نبود ناظران جهانی، پروسه تفتیش آرا به گونه آزمایشی جریان دارد.

هم چنان، نهادهای ناظر بر پروسه انتخابات می گویند، برای تفتیش آرا باید کار شیوه مشخصی وجود داشته باشد تا نامزدان روی آن توافق کرده و بر بنیاد آن آرای

تقلبی باطل اعلام گردد. کمیسیون انتخابات گفته بود که روند تفتیش آرا به دلیل بروز برخی مشکلات تخنیکی به تعویق افتاده است. این روند که ساعت ۴:۳۰ دقیقه روز شنبه متوقف شد بود و پس از چاشت روز یک شنبه دوباره از سر گرفته شد.

مسئولان کمیسیون گفته اند، این اختلاف بر سر امضا یا خطی که در اوراق رای دهی وجود دارد، بروز کرده است.

فضل احمد معنوی رییس تیم تخنیکی دکتر عبدالله عبدالله در گفت و گویی با روزنامه ماندگار می گوید: اختلافات جدی وجود نداشته است؛ تنها اختلاف نظر روی موارد کوچکی میان ناظران به وجود آمده



بود و در سطح بالا کدام مشکلی وجود نداشته است. آقای معنوی می افزاید: «بعضا اختلافاتی روی این که کدام یک از اوراق مطابق به طرز العمل کمیسیون حفظ و یا باطل شود، به...»

ادامه صفحه ۶

ناظران اتحادیه اروپا به دو ستاد انتخاباتی:

از آشفته گی در روند تفتیش جلوگیری کنید



پایان می رسد.

این گفته ها در حالی مطرح می شود که ناظران ملی و بین المللی حاضر در مرکز باز شماری آرا از ناهماهنگی و عدم تعیین روش مشخص و صحیح در روند باز شماری آرا طی سه روز گذشته شکایت دارند.

ناظران اتحادیه اروپا در افغانستان از هر دو کاندیدای ریاست جمهوری کشور خواستند که با اتخاذ روشی مناسب، از آشفته گی در روند باز شماری آرا جلوگیری کنند.

ناظران اتحادیه اروپا در افغانستان، روز یک شنبه با انتشار اطلاعیه ای اعلام کردند: هر ۲ کاندیدا باید در هماهنگی کامل با کمیسیون انتخابات و سازمان ملل متحد، روش دقیقی را در مورد باز شماری آرا مشخص کنند.

تایس برمن، رییس ناظران اتحادیه اروپا گفته است که در هفته های آینده، تعداد ناظران به ۲۴۲ نفر افزایش خواهد یافت.

در اطلاعیه همچنین آمده است که در صورت اتخاذ روش مشخص کاری، روند باز شماری تمام آرای دور دوم انتخابات ریاست جمهوری افغانستان زودتر به

دیدار دکتر عبدالله از ولسوالی ارگون



دکتر عبدالله عبدالله رهبر تیم اصلاحات و همگرایی روز گذشته به منظور دیدار از بازمانده گان قربانیان حمله اخیر تروریستی به ولسوالی ارگون ولایت پکتیکا سفر کرد.

در حمله تروریستی به بازار ولسوالی ارگون ولایت پکتیکا، دست کم ۹۰...
ادامه صفحه ۶

در برگ ها



دیگر فرصتی
برای اشتباه
نیست!

دنیایی
شدن



در
مکتب
تمدن
آفرین
رمضان

اردوغان:
اسرائیل دست
هیتر را از
پشت بسته
است



حلیمه حسینی

دیگر فرصتی برای اشتباه نیست!

حضور منفعل و سمبولیک خلاصه شود و ارزیابی و نظارت جدی بر روند بازشماری آرا صورت نگیرد، این خود به معنای رفتن افغانستان به سمت بحرانی خواهد بود که این بار نمی‌توان به این ساده‌گی‌ها آن را حل و افغانستان را از افتادن به دام مشکلات و بحران‌هایی که در انتظارش است، حفظ کرد.

بازشماری دقیق آرا، نظارتی اصولی و دقیق از سوی ناظران بین‌المللی و هم‌چنین تعهد امریکا و جامعه جهانی برای حمایت همه‌جانبه و صادقانه از به ثمر نشستن این روند و دوری از هرگونه زدوبند در پشت پرده و ظاهرسازی و فریب؛ لازمه اعتمادسازی دوباره مردم به انتخابات و مردم‌سالاری در این دیار است. در کنار به جریان افتادن بازشماری صد در صد آرا، یکی دیگر از مسایلی که این روزها از اهمیتی ویژه در گفتمان سیاسی کشور برخوردار است، بحث از تشکیل حکومت وحدت ملی و تفاوت‌های آن با حکومت‌های ائتلافی است. آیا نامزدان قرار است توافق و ائتلافی پشت پرده داشته باشند و یک بار دیگر به شیوه سنتی رایج در این کشور، به تقسیم قدرت بر اساس چوکی‌ها و راضی ساختن هر کس با دادن سهمی از قدرت، خواهند پرداخت و یا این‌که این بار به صورت جدی، علمی و عملی، در پی حل مشکل سیاسی و تقسیم و توزیع قدرت در افغانستان بر اساس موازین قانونی و عرف بین‌المللی هستند. که این خود نیازمند بازنگری و تعدیل قانون اساسی کشور است و بحث تبدیل شدن نظام فعلی افغانستان از ریاستی به صدارتی را طرح و ایجاد می‌کند.

بدون شک قانون اساسی هر کشور، چهارچوب‌های بنیادین حرکت سیاسی و شکل‌گیری جامعه سیاسی را رقم می‌زند و باید‌ها و نبایدهایی را طرح می‌کند که قوانین عادی بر اساس این خطوط قرمز و سبز باید تشکیل و تنظیم شوند. اما این بدان معنا نیست که قانون اساسی نوشته شده در هر کشور، قداستی ابدی دارد و نباید روی آن هیچ تبصره و تغییر و تحولی صورت بگیرد؛ چرا که تغییر و تحول و تحلیل اساسی و بنیادین بر روی کارآمدی یا ناکارآمدی بعضی مواد آن نیز، خود بخشی از تطور تاریخی و تکامل سیاسی یک جامعه سیاسی را می‌تواند رقم بزند و با تعدیلات و حذف و اضافات دقیق‌تر و کارآمدتر با توجه به فضای سیاسی یک کشور، به شرط بی‌طرفی و بهبود و جامع‌تر شدن قانون اساسی - امری پسندیده است و هیچ تضادی با عرف بین‌المللی در این زمینه ندارد. پس نباید با بهانه‌هایی از این دست که بحث صدارتی شدن نظام در افغانستان خلاف قانون اساسی کشور است، راه را بر روی امتحان کردن و تجزیه و تحلیل گزینه‌هایی بست که شاید بتوانند راه‌گشا بوده و راه‌حلی اساسی‌تر برای وضعیت فلاکت‌بار سیاسی امروز ما ارائه دهند. امروز نیاز داریم که به صورت جدی‌تر، به مکانیزم‌ها و دستورالعمل‌ها و حتماً طرح‌ها و برنامه‌هایی که تشکیل یک حکومت وحدت ملی را دست‌یافتنی‌تر می‌کند، بیاندیشیم و شجاعانه تحول‌پذیر و ترقی‌خواه باشیم.

که ما شاهد ایستادن در نقطه آغازین باشیم و بازهم فضا رو به تشنج و جنجالی شدن بگذارد. چرا که فقط وساطت و پادرمیانی جامعه جهانی، کافی نیست که بتوانیم اعتماد شکسته شده نسبت به کمیسیون‌های انتخاباتی را یک بار دیگر ترمیم کنیم.

بازشماری آرا، تفتیش و باطل کردن آرا در این مقطع حساس تاریخی، ارزشی همچون برگزاری انتخابات در سه مرحله دارد؛ همان چیزی که همواره از سوی ستاد داکتر صاحب اشرف‌غنی احمدزی رد و غیرقانونی خوانده شده بود.

انتخابات دو مرحله‌یی افغانستان قانوناً پایان یافته است؛ اما آنچه بعد از این انتخابات رخ داد و کار را به جایی رساند که صحبت از تشکیل حکومت موازی شود و کتله بزرگی از مردم از بدنه این پروسه ملی جدا گردند، بحث‌هایی را برانگیخت

خوشی به دست آمده از توافق میان دو نامزد، شاید دیری نپاید اگر یک مدیریت درست و اصولی از سوی نهادهای بین‌المللی و جامعه جهانی صورت نگیرد؛ همان کسانی که تلاش کردند میان دو ستاد یک بار دیگر اعتمادسازی کنند و هر دو نامزد را تا پایان این بازی در میدان نگاه دارند.

داکتر عبدالله پس از ایراد اتهامات جدی تقلب به کارمندان ارشد و زده‌بالای کمیسیون انتخابات، رسماً ارتباط خود را با این کمیسیون قطع کرد و به‌نوعی خروج خود را از بازی اعلام نمود. اما آنچه باعث شد که شاخ و شانه کشیدن‌ها میان دو نامزد و فضای متشنجی که بدون شک به نفع هیچ‌کس نیست، یک بار دیگر مدیریت شود و فضای سیاسی افغانستان یک بار دیگر شاهد آرامش نسبی شده و مردمش به آینده امیدوارانه نگاه کنند، پادرمیانی امریکا



که باید در محلات و ولایاتی که بیشترین جنجال و اتهام تقلب به آن‌ها وارد است، یک بار دیگر انتخابات برگزار شود، و این خود به معنای سه مرحله‌یی شدن انتخابات بود که توسط برخی از تحلیل‌گران سیاسی، غیرقانونی خوانده شد. اما آنچه که امروز در جریان است و با تلاش‌های امریکا و سازمان ملل صورت گرفت، دست کمی از سه مرحله‌یی شدن این انتخابات ندارد.

بازشماری صد در صدی آرا بدون شک کار بزرگ و جدی‌یی است که اگر به‌درستی و با یک مکانیزم واضح و شفاف و بی‌طرفانه صورت بگیرد، می‌تواند محک محکمی باشد برای معین ساختن برنده واقعی میدان انتخاباتی‌یی که گذشت. اما اگر سازمان ملل و ناظران بین‌المللی، این غائله را فیصله‌شده بدانند و حضور و کارکردشان در این پروسه تازه به جریان افتاده، فقط به

و سازمان ملل متحد بود. بازشماری صد در صد آرا و تفتیش و ارزیابی آن‌ها، خبر خوشی بود که همه‌گان را یک بار دیگر به این پروسه امیدوار ساخت و از کنار هم قرار گرفتن دو نامزد، بیش از هر کس دیگر، مردم افغانستان بودند که خرسند و مسرور گشتند. اما با تأسف این روزها دیده می‌شود که یک بار دیگر قرار است زمام کار در دستان کسانی قرار بگیرد که کل جنجال و هیاهو برخاسته از عمل کرد ضعیف و تأسف‌بار آن‌ها بوده است.

حضور کم‌رنگ و منفعل ناظران بین‌المللی در روند بازشماری و تفتیش آرا، همان نگرانی‌یی است که اگر پاسخی مناسب نیابد، در حقیقت تلاش‌های جناب آقای جان کری و یان کوبیش مثل آب در هاون کوبیدن خواهد بود و دیری نخواهد پایید

سخن ماندگار

طالبان ماکیاولیست

طالبان در طول دوران جنگ و دهشت‌افکنی‌شان در برابر مردم افغانستان، بارها از کودکان به عنوان ابزار نظامی و عملیاتی استفاده کرده‌اند. از حملات انتحاری گرفته تا فریب کودکان به روش‌های گونه‌گون - که حاصل به‌کار بردن یکی از این روش‌ها را دو روز پیش در شهر مزار شریف شاهد بودیم.

به‌تازگی و دو روز قبل، طبق اظهارات پولیس در شهر مزار شریف مرکز ولایت بلخ، طالبان یک کودک فقیر بارکش که اجناس دوکان‌داران را در سطح شهر از یک محل به محل دیگر انتقال می‌داد، مورد استفاده قرار داده و او را قربانی حيلة خودشان ساخته‌اند.

حادثه به این ترتیب اتفاق افتاده است: طالبان از شغل این کودک استفاده کرده و او را وسیله هدف خویش ساخته‌اند. آن‌ها بدون این‌که این کودک بدانند باری را که منتقل می‌کند چه است، مواد انفجاری را بر کراچی این کودک بار می‌کنند و به او می‌گویند که او را به سمت چهارراهی سلیم شهید، در مرکز شهر انتقال دهد. همین که کراچی توسط این کودک در نزدیکی یک موتر ارتش ملی قرار می‌گیرد و یا هم اندکی متوقف می‌شود، طالبان محموله انفجاری را به شیوه کنترل از راه دور منفجر می‌کنند که در نتیجه، کودک بارکش به شهادت می‌رسد و دو غیرنظامی دیگر زخمی می‌شوند.

این عمل طالبان آن‌هم در ماه مبارک رمضان، نشان داد که این گروه به کوچک‌ترین و ساده‌ترین ارزش‌های دینی پایبند نیستند و اصلاً اخلاق اسلامی و انسانی را نمی‌دانند. حتماً این طالبان فکر می‌کنند که بر بنیاد گفته آقای ماکیاولی هدف وسیله را توجیه می‌کند؛ اما بر بنیاد هدایات قرآنی و ارشادات نبوی نیز، این‌گونه استفاده‌جویی از کودکان به هر هدفی که باشد، حرام قطعی است.

البته این یگانه‌مورد نیست، بلکه سال‌هاست که طالبان و دستگاه جهنمی آی‌اس‌آی از کودکان در حملات انفجاری و انتحاری بهره می‌کشند. آن‌ها یا کودکان را با روش‌های خاص از جمله شست‌وشوی مغزی، آماده حملات انتحاری می‌کنند و یا هم ایشان را به‌سان حادثه اخیر، مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند.

جدا از این مسأله، هفته گذشته همین طالبان و شبکه آی‌اس‌آی، یک موتر حامل مواد انفجاری را که راننده آن یک نوجوان بود، در بازاری مزدحم در میان ده‌ها مسلمان روزه‌دار فقیر و کسبه‌کار در ولسوالی ارگون ولایت پکتیکا منفجر کردند که در نتیجه آن، نزدیک به صد تن شهید و ده‌ها تن دیگر زخم برداشتند.

وقتی این نوع رویدادها را کنار هم می‌گذاریم، به این نتیجه می‌رسیم که پدیده‌یی به‌نام طالبان شامل ادبیات و تعامل سیاسی شده است که هر روز خون می‌ریزند و خلاف شعاری که سر می‌دهند، در برابر آموزه‌های اسلامی قرار دارند. اما کدام آموزه قرآنی یا روش نبوی و یا هم صحابی، این‌گونه استفاده‌جویی از کودکان را جواز می‌دهد؟!

شکی نیست که پدیده‌یی به نام طالبان ربطی به اسلام ندارد و این گروه، از آغاز هیچ نشانی از اخلاق اسلامی نداشته‌اند.

اگر طالبان اندکی هم به اسلام دل بسوزانند، هیچ‌گاه یک کودک را این‌گونه مورد استفاده قرار نمی‌دهند و یا هم در ماه مبارک رمضان، خون ده‌ها مسلمان بی‌گناه را نمی‌ریزند و مسجد و مدرسه و بازار را ویران نمی‌کنند.

می‌بینیم که طالبان از بدو پیدایش تا کنون هیچ تغییری نکرده‌اند. آن‌ها از آغاز دست به کشتار جمعی زدند و خانه‌ها و مزارع مردم را سوزاندند و امروز نیز به عین سیاست عمل می‌کنند. استفاده از کودکان نیز، یکی از روش‌های جنگی‌شان می‌باشد. حالا آقای کرزی به خود بیاندیشد که با چه گروهی معامله کرده و چه کسانی را از بند رها ساخته است!

بی.بی.سی - برلین

آیا پیروزی آلمان در جام جهانی به نفع آنگلا مرکل خواهد شد؟



شادی تمام بریتانیا را در برمی گرفت. ظاهراً میزان شادی ساکنان سایر بخشهای بریتانیا مثل اسکاتلند و یا ایرلند شمالی به موازات انگلستان حرکت نکرده است.

شاید همین تفاوت بین میزان شادی مردم در انگلستان یا سایر نقاط بریتانیا دقیقاً نکته کلیدی این پژوهش باشد که دریافته است در کشورهای میزبان رقابت‌های ورزشی احساس شادی به یک عامل قابل تشخیص و موثر بدل می‌شود.

اگر این پژوهش را مبنا قرار دهیم پیروزی تیم آلمان در یک میدان ورزشی در برزیل برای خانم مرکل نفع چندانی نخواهد داشت.

قبل از این پیروزی هم میزان محبوبیت خانم مرکل در حد نسبتاً خوبی بوده و نزدیکی او و یا گرفتن عکس با افراد موفق، از جمله تیم ملی آلمان، همان حد از میزان محبوبیت را تحکیم و تثبیت خواهد کرد. کافی است در نظر بیاوریم که اگر یک سیاستمدار نامحبوب چنین کاری کرده و بخواید از موفقیت دیگران بهره بگیرد تا چه حد اقدام او مورد سرزنش قرار خواهد گرفت.

اما این پژوهش نشان داده که احساس شادی در کشور و ملت میزبان به خاطر برگزاری مسابقات ورزشی مهم افزایش می‌یابد و این فارغ از آن است که عملکرد تیم ملی آن کشور در عرصه رقابت‌ها چگونه باشد.

گئورگیوس کاوتسوس و استفان سزیمانسکی در بخشی از نتایج پژوهش خود می‌نویسند: «ما متوجه شدیم که عامل احساس شادی مربوط به میزبانی رقابت‌های مهم فوتبال بسیار گسترده و چشمگیر است. ولی تأثیر موفقیت ورزشکاران خود آن کشور در حد بسیار ناچیزی است.»

اگر این پژوهش را مبنا قرار دهیم برنده بزرگ جام جهانی امسال باید برزیل باشد. هر چند گفتن چنین چیزی پس از دو شکست فاجعه بار برزیل در برابر آلمان و هلند و ناراضی و خشم شدید طرفداران تیم کمی عجیب به نظر می‌رسد.

با وجود نتایج بسیار بد تیم ملی برزیل و یا هر تیم میزبانی که در رقابت‌های ورزشی دیگر موفقیتی کسب نکرده است، احساس عمومی یک ملت به خاطر موفقیت در میزبانی یک رویداد ورزشی و دور هم جمع شدن در آن روزها باعث می‌شود که احساس شادی مردم افزایش یابد.

بنابراین شاید بتوان گفت وقتی که آلبا از آسیاب بیافتد برنده نهایی برزیل خواهد بود.

سومش انگلستان را شکست داد. کمتر از یک هفته پس از این شکست و حذف تیم انگلستان از جام جهانی مکزیک، یک رویداد سیاسی بزرگ در بریتانیا روی داد. هارولد ویلسون، نخست وزیر و دولت حزب کارگر او سقوط کرد. هارولد ویلسون در آن زمان گفت که فوتبال و نتایج ورزشی در این رویداد تأثیری نداشتند. ولی در خاطرات تعدادی از اعضای هیئت دولت که بعداً منتشر شد، به این نکته اشاره شده که آنها نگران نتایج تیم انگلستان در جام جهانی و تأثیر آن روی سرنوشت دولت حزب کارگر بودند.

اما تمام این نتیجه گیری‌ها، حدس و گمان و تا حد زیادی تخمینی است. در مورد رابطه ورزش با سیاست «رساله‌ها» و «فتوهای» زیادی منتشر شده ولی هیچکدام از آنها شواهد و دلایل قانع کننده‌ای ارائه نمی‌دهند.

تنها پژوهش جدی و علمی که در این مورد صورت گرفته است می‌گوید فایده موفقیت‌های ورزشی برای یک ملت و یا سیاستمداران آن در حد بسیار ناچیزی است و در عالم واقع می‌توان از آن صرف نظر کرد.

گئورگیوس کاوتسوس از دانشکده اقتصاد لندن و استفان سزیمانسکی از دانشگاه میشیگان تمام آمارها و ارقام در این زمینه را بررسی کرده‌اند.

آنها همه مقیاس‌های مهم برای سنجش میزان شادی مردم در ۱۲ کشور اروپای غربی در فاصله سالهای ۱۹۷۴ تا ۲۰۰۴ را بررسی کرده‌اند تا ببینند که آیا با موفقیت‌های ورزشی این ملت‌ها ارتباطی دارد و یا نه. نتیجه نشان داد که هیچ ارتباطی بین این دو وجود ندارد.

اما آنها بین «احساس شادی» با میزبانی مسابقات مهم ورزشی ارتباط پیدا کردند.

آیا برنده واقعی برزیل است؟ این دو پژوهشگر هشت رقابت ورزشی مهم را در این فاصله زمانی مورد مطالعه قرار دادند. جام های جهانی فرانسه ۱۹۹۸ و ایتالیا ۱۹۹۰ و همینطور جام ملت‌های اروپا ایتالیا ۱۹۸۰، فرانسه ۱۹۸۴، آلمان غربی ۱۹۸۸، انگلستان ۱۹۹۶ و بلژیک و هلند در سال ۲۰۰۰.

آنها متوجه شدند که شاخص‌های «احساس شادی» در تمام این کشورها به غیر از یک مورد افزایش یافته است. کشور استرالیانگستان بود. شاید دلیل آن این بوده که کشور میزبان انگلستان بود در صورتیکه محدوده سنجش شاخص‌های «احساس

آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان متهم شده است که به شکل بی شرمانه‌بی خود را به فوتبالیست‌های تیم ملی آلمان نزدیک نشان داده و از پیروزی آنها بهره برداری می‌کند.

نتایج نظرسنجی‌های روزهای اخیر نیز نشان می‌دهند که همزمان با موفقیت‌های تیم آلمان در رقابت‌های جام جهانی، میزان محبوبیت خانم مرکل در افکار عمومی آلمان افزایش یافته است. ولی آیا این وضعیت در طولانی مدت ادامه خواهد یافت؟

تردیدی وجود ندارد که جام جهانی و درخشش تیم آلمان به نفع خانم مرکل تمام شده است. به فاصله یک ساعت پس از پایان مسابقه فینال، عکس او در میان بازیکنان تیم آلمان بیش از یک میلیون بار ریتوییت شد.

صدراعظم آلمان واقعاً به فوتبال علاقه فراوانی دارد و حتی قبل از عهده دار شدن مقام‌های سیاسی برای تماشای مسابقات مهم به استادیوم می‌رفت. اما مسلماً امروزه گرفتن یک عکس تأثیر گذار در یک لحظه مهم مثل پیروزی تیم آلمان برای خانم مرکل فایده فراوانی دارد.

خانم مرکل در پیروزی آلمان بر پرتغال با نتیجه چهار بر صفر در استادیوم بود و در مسابقه فینال و لحظه‌یی که تیم آلمان جام جهانی را بالا برد حضور داشت. بعضی به او «راز خوش شانسی» تیم آلمان لقب داده‌اند. خود او و برخی از طرفداران تیم آلمان می‌گویند «بازیکن دوازدهم تیم آلمان یک زن است.»

اما فواید سیاسی یک موفقیت ورزشی چندان مشخص نیست و یا بهتر است بگوییم که این فواید بسیار پیچیده‌اند و گاه با گذشت زمان و تبدیل شدن به خاطره ممکن است نتیجه کاملاً متفاوتی بدهند.

افسانه «احساس شادی» به عنوان مثال در تاریخ سیاسی معاصر انگلیس همیشه به این مورد افسانه‌وار اشاره می‌شود که قهرمانی تیم ملی انگلستان در جام جهانی ۱۹۶۶ باعث شد که دولت حزب کارگر در حکومت باقی بماند.

اینطور گفته می‌شود که نظرسنجی‌ها نشان می‌دادند که میزان محبوبیت و آرای احتمالی دو حزب محافظه کار و کارگر تقریباً برابر بودند. اما پس از هت تریک جف هرست در مسابقه فینال در برابر آلمان غربی که در آن تیم انگلیس به پیروزی رسید، رای دهندگان باری دیگر به هارولد ویلسون رای دادند و حزب کارگر در قدرت باقی ماند.

اما این داستان که بارها و بارها نقل شده یک مشکل دارد و آن این است که انتخابات پارلمانی بریتانیا قبل از جام جهانی برگزار شد. واقعیت این است که حزب کارگر رقیب خود را در انتخابات ماه مارس شکست داد و تیم انگلستان در ۳۰ جولای با نتیجه سه بر دو بر آلمان پیروز شد.

بنابراین اگر قرار است عامل «احساس شادی» ناشی از پیروزی ورزشی را در نظر بگیریم در این مورد مشخص روی نتایج انتخابات بریتانیا هیچ تأثیری نداشته است.

اما در موارد و سالهای بعدی شاید این عامل تأثیر گذار بوده است. در جام جهانی مکزیک ۱۹۷۰ تیم ملی انگلستان خیلی زودتر از آنچه که انتظار می‌رفت از دور رقابت‌ها حذف شد.

آنچه پذیرش این نتیجه را دشوار می‌کرد روشی بود که تیم انگلستان شکست خورد. تیم انگلستان در مسابقه یک چهارم نهایی در برابر آلمان غربی با نتیجه دو بر صفر جلو بود. اما مربی تیم به نام آلف رمزی که اعتماد به نفس بیش از حدی داشت، از دقیقه ۷۰ شروع کرد به تعویض و به اصطلاح حفظ بازیکنان اصلی تیم برای مسابقه بعدی که در مرحله نیمه نهایی بود. اما تیم آلمان در همان ۲۰ دقیقه باقیمانده دو گل زد و در وقت اضافی با گل

عبدالله گل:

نه تنها اردوغان بلکه کل ترکیه اسرائیل را محکوم کردند



رئیس‌جمهوری ترکیه تأکید کرد: نه تنها نخست وزیر انقره بلکه کل ترکیه حملات اسرائیل علیه مردم فلسطین را محکوم می‌کنند.

به نوشته روزنامه حریت، عبدالله گل، رئیس‌جمهوری ترکیه در کنفرانسی خبری با درویش ارواغلو، رئیس‌جمهوری قبرس ترک نشین گفت: نه تنها رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه بلکه همه مردم ترکیه حملات اسرائیل را محکوم کردند.

وی افزود: تهاجم‌های اخیر اسرائیل و کشتار وحشیانه غیرنظامیان در مقابل چشم‌های جهان، تصویر منطقی‌ای را به مخاطره می‌اندازد.

امیدواریم که جهان تمامی این مسائل را مشاهده کند. در مورد این مساله که اردوغان حملات اسرائیل را محکوم کرده اما توافقات نظامی کنونی با اسرائیل وجود دارد، آیا این همکاری ادامه می‌یابد یا خیر، عبدالله گل ترجیح داد تا پاسخی درباره روابط نظامی یا سیاسی آتی ندهد.

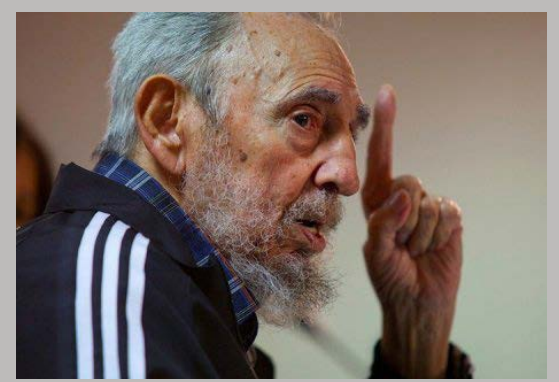
عبدالله گل، اردوغان، پارلمان ترکیه، تمامی احزاب سیاسی و تعدادی از سازمان‌های غیر دولتی این کشور به ویژه پس از حمله زمینی اسرائیل به نوار غزه و کشتن صدها غیرنظامی، حملات اسرائیل علیه فلسطینی‌ها را محکوم کردند.

عبدالله گل پس از پایان دوره ریاست جمهوری‌اش در ۲۸ اگست سال جاری میلادی در آخرین سفر خارجی خود به شمال قبرس به سر می‌برد. وی بار دیگر موضع حامی صلح ترکیه در قبرس را بازگو کرده و گفت: انقره صریحاً از روند مذاکرات میان قبرس ترک‌نشین و یونانی نشین حمایت می‌کند.

عبدالله گل در چهلمین سالروز مداخله نیروهای مسلح ترکیه در قبرس برای حفاظت از قبرس ترک نشین در برابر قبرس یونانی نشین، شرکت خواهد کرد. این جزیره از سال ۱۹۷۴ میلادی به دو بخش قبرس ترک نشین و قبرس یونانی نشین تقسیم شده است.

فیدل کاسترو:

حمله اسرائیل به غزه یک جنایت نفرت‌انگیز است



رهبر پیشین کوبا از حمله رژیم صهیونیستی به نوار غزه و اظهارات امریکا نسبت به اینکه «اسرائیل حق دفاع از خود را دارد»، انتقاد کرد.

فیدل کاسترو هم چنین دولت اوکراین را مقصر ساقط شدن هواپیمای مسافربری خطوط هوایی مالزی دانست.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، این اظهارات کاسترو با عنوان «اقدامات تحریک آمیز استثنایی» در رسانه‌های دولتی کوبا منتشر شده است.

کاسترو از حمله زمینی اسرائیل به نوار غزه انتقاد کرده و آن را یک «جنایت نفرت‌انگیز» دانست. وی همچنین از آمریکا به خاطر گفتن این مساله که اسرائیل حق دارد تا از خود دفاع کند، انتقاد کرد.

رهبر انقلاب کوبا هم چنین دولت اوکراین را مقصر ساقط شدن هواپیمای مسافربری خطوط هوایی مالزی دانست.

این اظهارات چند روز پس از آن منتشر شد که کاسترو در جریان سفر ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه برای تقویت روابط با کشورهای آمریکای لاتین از جمله کوبا با وی دیدار کرده بود.

کاسترو گفت: این هواپیمای مسافربری بر فراز منطقه تحت کنترل پترو پوروشنکو، رئیس‌جمهوری اوکراین پرواز می‌کرد. این هواپیمای روز پنجشنبه بر فراز حریم هوایی شرق اوکراین ساقط شد و در این رویداد ۲۹۸ تن کشته شدند. هنوز هیچ‌کس مسئولیت این رویداد را به عهده نگرفته است.

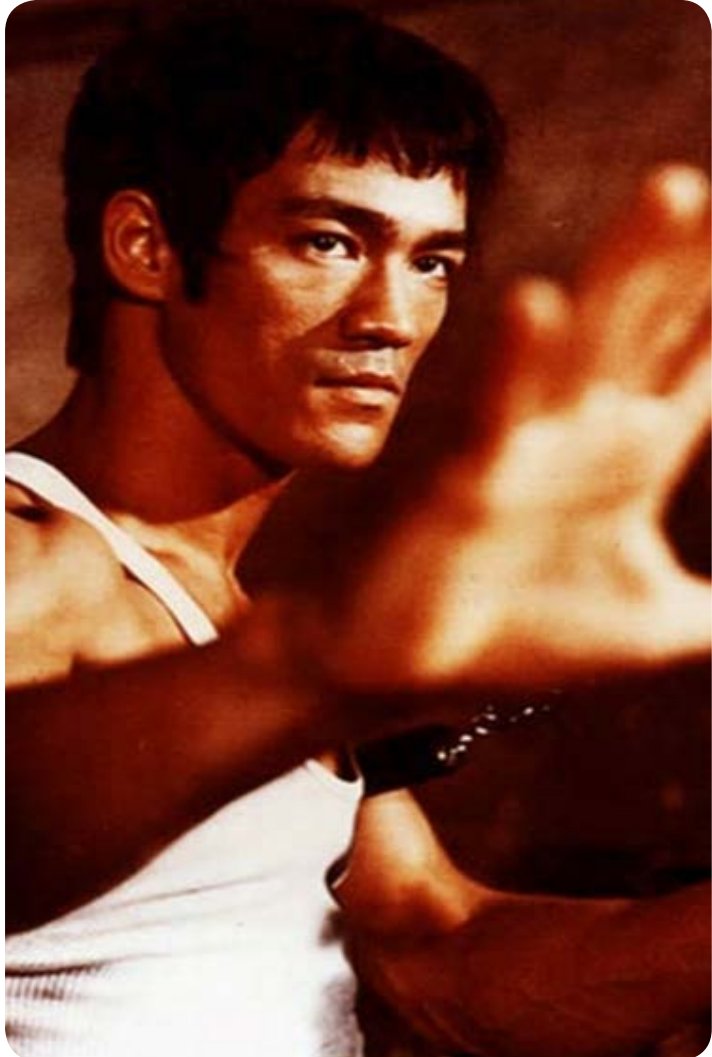
بخش نخست

ده درس موفقیت از بروس لی

بروس لی بیشتر به عنوان رزمی کار و ستاره فیلم های سینمایی با مضامین هنرهای رزمی مشهور بود، ولی باید گفت که او تاجری حرفه‌یی، مؤثر و تحسین برانگیز نیز بود. در دهه شصت میلادی، او زنجیره کوچکی از استودیوهای کونگ‌فو باز کرد و در این استودیوها به تدریس سبک خودش که چون فان گونگ فو نام داشت، پرداخت. دانش کامل او در این باره و مهارت و استادی او در هنرهای رزمی بود که باعث شد مدرسه‌هایی که تأسیس کرد، موفق شوند. ستاره‌های مشهور زیادی هم چون استیو مک کوئین، جیمز گارنر، چاک نوریس و جیمز کوبرن از شاگردان او بودند.

چیزی که به بروس لی کمک کرد تا موفق شود، این بود که او یاد گرفته بود حکمت یک بخش از زنده‌گی‌اش را در بخش‌های دیگر زنده‌گی‌اش اعمال کند. او به سنت و مرزهای مصنوعی دانش اهمیتی نمی‌داد. او فقط برای آن چه نتیجه می‌داد، اهمیت قایل بود. همین موقع بود که او سبک خودش از کونگ‌فو را خلق کرد. او در قرض گرفتن تکنیک از شمشیربازی، بوکس و حتا رقص (در سال ۱۹۵۸ او برنده جام قهرمانی رقص چاچا شد) تردید نمی‌کرد. او از دانش خود در هنرهای رزمی و فلسفه شرقی برای موفق شدن در کسب و کار استفاده می‌کرد. البته او چیز تازه‌یی خلق نکرد، ولی ارتباطاتی را می‌دید که دیگران نمی‌توانستند ببینند.

اکنون ۴۰ سال است که بروس لی فوت کرده، ولی هنوز برای میلیون‌ها نفر در



سراسر دنیا یک قهرمان باقی مانده است. او این خوش‌نامی و اعتبار ماندگار را از نوآوری و عدم پذیرش مرزها و محدودیت‌هایی که جلویش قرار می‌گرفت، به‌دست آورده است. او هم مثل بقیه مردم برای شکست‌ها بهانه داشت، ولی اجازه نمی‌داد که ترس زنده‌گی او را کنترل کند. او توانایی شگفت‌انگیزی برای تبدیل رقابت به نفع خودش داشت. در زیر، ۱۰ راز بروس لی برای موفقیت در کسب و کار آمده است:

۱- فرصت‌ها را خودتان بسازید.

«سرنوشت به جهنم؛ فرصت‌ها را من می‌سازم.»

اگر با نگرشی دفاعی به زنده‌گی نگاه کنید، فقط با میان‌مایه‌گی و حد وسط چیزها مواجه می‌شوید و هرگز به اوج موفقیت نمی‌رسید. اگر قرار باشد کارآفرینان جاه‌طلب قبل از هر کاری فقط منتظر باشد که شرایط مناسب فراهم شود، احتمال دارد که هرگز از مرحله رویا و خیال عبور نکنند و به هدف نرسند. وقتی بروس اولین مدرسه کونگ فو را در ایالات متحده باز کرد، این هنر رزمی در آن کشور ناشناخته بود و نژادپرستی زیادی نسبت به چینی‌ها در جامعه آمریکایی وجود داشت، ولی او این مسایل را نادیده گرفت و فرصت‌ها را خودش برای خودش ساخت.

بخش نخست



نویسنده: دکتر حسین کچویان

تنظیم: علی‌رضا معادی

نظریه دنیایی شدن، جوهره، بنیان و کل علوم اجتماعی مدرن است و به این معنا وجهی از جهان تجدد - در مقام عین و تحقق - را مشخص نمی‌کند، بلکه کلیت این جهان را در خود منعکس کرده است.

خاستگاه تاریخی - اجتماعی نظریه دنیایی شدن ۱. به طور معمول درک کاملاً خطا و نادرستی درباره نسبت نظریه دنیایی شدن با جهان تجدد و علوم اجتماعی وجود دارد که مانع درک درست نسبت این نظریه با خاستگاه‌های تاریخی و اجتماعی آن می‌شود. البته در یک فهم عمومی ما می‌دانیم که تمامی نظریه‌های علوم اجتماعی با جهانی که در آن شکل می‌گیرند، نسبت وثیقی دارند، ولی این فهم عمومی، مقصود ما را از درک غلط پیش گفته، به خوبی بیان نمی‌کند.

به طور معمول، نظریه دنیایی شدن، نظریه‌یی خاص در درون یکی از علوم خاص جهان تجدد، یعنی جامعه‌شناسی، فرض می‌شود. حداکثر ممکن است در حوزه دین، مطالعات دین یا دین‌شناسی هم به این نظریه اهمیتی داشته باشند. به این معنا، نظریه دنیایی شدن مانند هر نظریه دیگری که ممکن است در ذهن شما باشد، نظریه‌یی منفرد از مجموعه عظیم نظری و مفهومی است.

در نتیجه این نظریه هم مانند هر نظریه دیگر، بنیان، محتوا و جوهره آن علم را منعکس نمی‌کند، بلکه تنها نظریه‌یی است که بسته به موضوع و جایگاه طرح خود، جایی در آن علم خاص دارد و نه بیشتر! خطرات از این نوع درگ نسبت به جایگاه نظریه دنیایی شدن در منظومه فکری - نظری غرب، درک غلطی است که درباره این نظریه با جهان تجدد - در مقام عین و تحقق - در اذهان برقرار می‌شود. به این معنا، نظریه دنیایی شدن در بهترین حالت، بیان وجهی خاص از جهانی است که در یک برهه تاریخی خاص ظاهر شده است و ما آن را به نام تجدد می‌شناسیم.

این هر دو درک، غلط است. نظریه دنیایی شدن، نظریه‌یی واحد و منفرد در درون یک علم خاص و مشخص به نام جامعه‌شناسی نیست. نظریه دنیایی شدن، جوهره، بنیان و کل علوم اجتماعی مدرن است و به این معنا (که در ادامه توضیح خواهم داد) وجهی از جهان تجدد - در مقام عین و تحقق - را مشخص نمی‌کند، بلکه کلیت این جهان را در خود منعکس کرده است.

چرا نظریه دنیایی شدن، نظریه‌یی خاص در درون یک علم خاص نیست؟ چرا این نظریه، قالب و چهارچوبی است که در تمامی نظریات علم اجتماعی حضور دارد و حدود کلی آن را مشخص می‌کند؟ چرا نظریه‌های علوم اجتماعی از درون این نظریه می‌جوشند و خود را بر اساس این نظریه، فهم و توجیه می‌کنند و به یک معنا، مؤید و مقرر به این نظریه هستند؟ اگر این وجه از مسأله به خوبی منعکس شود، وجه دوم مدعای من، که این نظریه کلیت

جهان تجدد را در خود منعکس می‌کند هم در ذیل آن درک خواهد شد.

۲. اولین نظریه‌های دنیایی شدن، اولین فلسفه‌های تاریخ غرب از ویکو، بوسونه تا کاندرا، تورگو و نهایتاً کنت - با ترتیب‌هایی کانت - هستند که در عصر روشن‌گری به وجود آمدند و مطرح شدند. معمولاً این نوع نظریه‌ها را ما به اسم نظریه ایده پیشرفت و ترقی می‌شناسیم. فلسفه‌های تاریخ اولیه عصر روشن‌گری، بازگویی مجدد فلسفه تاریخ مسیحی به زبان سکولاریستی هستند.

در تمام این نظریات، نقطه آغاز تمدن، تاریخ و حیات بشری روی زمین، نقطه دین‌داری است که البته معادل یا مساوی با جهل و ظلمت تلقی شده و نقطه پایانی آن هم عصر روشن‌گری است که عصر عقل و تنویر فکر و اندیشه است. در چهارچوب سازوکارهای تبیینی که در درون این دسته از نظریه‌های فلسفه تاریخی مطرح می‌شود، وجود دیانت در مرحله بدوی عمدتاً در قالب ارجاع به ویژه‌گی‌های شناختی مانند ترس و جهل توجیه می‌شود و به‌طور طبیعی سیر تاریخی رشد عقل به حذف و محو دیانت منتهی می‌گردد.

کلیت نظریه‌پردازی‌های اجتماعی تجدد در قرن هیجدهم، همین نظریه‌هاست یا حداقل جوهره و اساس آن‌ها را همین نظریه‌ها تشکیل می‌دهد. اما شاید بتوان نسبتی را که نظریه‌های دنیایی شدن با نظریه اجتماعی تجدد دارند، در مرحله کلاسیک علوم اجتماعی تجدد به‌صورت بارزتر درک کرد. معمولاً ما جامعه‌شناسی را علمی در میان علوم اجتماعی می‌شناسیم.

این شناخت فقط در قالب تحولاتی که در دوره متأخر و از دهه دوم قرن بیستم میلادی - بعد از وبر - به بعد اتفاق افتاده درست است؛ یعنی فرایند تخصصی شدنی که از این نقطه به بعد وجود دارد، باعث ظهور تدریجی علوم گوناگون می‌شود و در نتیجه، علم جامعه‌شناسی هم یکی از علوم خاص موجود می‌گردد. ولی جامعه‌شناسی آن‌گونه که قبل از این افرادی مانند کنت، دورکیم، مارکس یا وبر فهم می‌کنند، علمی در کنار سایر علوم نیست.

این مطلب به‌ویژه در فهم کنت کاملاً واضح است. نقد کنت به نظریه‌پردازی‌های قبلی تجدد در حوزه‌های گوناگون مانند سیاست، اقتصاد و ... که در مرحله بدوی تجدد انجام شده، این است که این نظریه‌پردازی‌ها اولاً علمی نیستند و ثانیاً با هر کیفیت معرفت‌شناختی که دارند، فهم غلطی از جهان اجتماعی هستند.

ما یک موجود به اسم جامعه بیشتر نداریم و یک علم هم بیشتر در مورد آن وجود ندارد. این‌که جامعه‌شناسی چنین شأنتی دارد، منشای منازعاتی شده و بحث امپریالیسم جامعه‌شناختی از همین جا ریشه گرفته است. شأن و مرتبه‌یی که جامعه‌شناسی به اعتبار آن نوعی تفوق، احاطه و مقام بلندتری نسبت به سایر علوم اجتماعی برای خود قایل شده است. این اتفاقی نیست که علمی به اسم اقتصاد یا سیاست برای مارکس بی‌معناست یا برای دورکیم موضوعیت مستقل ندارند. در واقع برای ایشان یک نظریه بیشتر وجود ندارد که در آن اقتصاد، سیاست و

همه نظریه‌های اجتماعی دیگر درهم تنیده شده است. به تدریج از وبر است که زمینه‌های فرایند تخصصی شدن علوم ظاهر می‌شود.

حال اگر به این نگاه به مسأله توجه کنیم، می‌بینیم کل نظریه جامعه‌شناختی و کل دستگاه معرفتی دورکیم، که مکتب دورکیم را به ما عرضه کرده است، چیزی جز نظریه تحول از جامعه مکانیکی به جامعه ارگانیک نیست. این نظریه در واقع بیان دیگری از نظریه‌های دنیایی شدن با اصطلاحات خاص دورکیم و چهارچوب تیوریکی است که او مسأله را در قالب آن می‌فهمد. جامعه مکانیکی، جامعه دینی و جامعه ارگانیکی، جامعه غیر دینی است. کل جامعه‌شناسی دورکیم، تجهیز شده است که این تحول را معنادار و فهم کند. به عبارتی کل جامعه‌شناسی دورکیم، جامعه‌شناسی همین نظریه است.

ماتریالیسم تاریخی هم چیزی جز نظریه دنیایی شدن نیست. البته مارکس یکی از کسانی است که غفلت آشکاری نسبت به مسایل دین دارد و شاید تصور شود نظریه دنیایی شدن برای مارکس فاقد موضوعیت است. شاید، ولی به این معنا که - همان‌طور که در مانفیست و نزاع‌های خود با هگلی‌های جوان مطرح کرده است - به حدی مسأله را فرعی می‌داند که ورود و بحث از آن را فاقد موضوعیت می‌بیند. با این‌که قبول دارد که اولین نقد، نقد دین است اما برای او به این معنا نیست که به شکل تیولوژیک یا اشکال دیگر و براساس سستی که او به آن وصل است - مانند فوئرباخ - در جهان مدرن به نقد دین دست زند. نقد او به فوئرباخ، اشتراوس و دیگران این است که شما در جای غلطی مسأله را دنبال می‌کنید. گره آسمان را نمی‌شود در آسمان باز کرد. گره آسمان را باید در زمین باز کرد.

این همان منطق ماتریالیست دیالکتیک یا ماتریالیست تاریخی است که به اعتبار آن، دیانت موضوعیت خود را به‌خطا به‌دست آورده است و در نتیجه با درست شدن و تطور اقتصادی - اجتماعی جهان خود به خود حل می‌شود. همین‌طور است نظریه دیگرانی هم چون وبر، لوکاج، پارسونز، برگر، لوکمن، لامان و گیدنز که اگر دنبال خود را به‌خطا به‌دست آورده است - اجتماعی، به یک معنا جامعه‌شناسی است و کل جامعه‌شناسی، نظریه دنیایی شدن. کل این دستگاه مفهومی حول این نظریه شکل گرفته و بسط و گسترش پیدا کرده است.

جامعه‌شناسی، الهیات جهان مدرن است. چهارچوبی نظری است که جهان مدرن خود را با آن فهم می‌کند، از مجرای آن خود را توضیح می‌دهد و آینده و وضعیت حال خود را مشخص و روشن می‌کند. جامعه‌شناسی چنین جایگاهی دارد و با توجه به این جایگاه است که وقتی شأن نظریه دنیایی شدن را در درون این دستگاه بررسی می‌کنیم، این مطلب به شکل روشنی بارز می‌شود که کل جوهره و اساس نظریه اجتماعی تجدد و نه جزئیات آن، چیزی جز نظریه دنیایی شدن نیست.

در

مکتب

تمدن

آفرین

رمضان

✍️ **خواجه بشیر احمد انصاری**

بخش چهاردهم

روزه و سلامتی

جناب دکتر اسدالله شافی، تبصره جالبی به مطلب من داشتند که می‌خواهم آن را در همین‌جا نشر نمایم. ایشان نگاشته‌اند: «...به موضوع مهمی اشاره نموده‌اید «رابطه طول عمر با خوردن و آشامیدن». از رهگذر دانش پزشکی، وقتی ما از طول عمر یک موجود زنده در شرایط طبیعی بحث می‌کنیم، در حقیقت از عمر یک حجره (سلول) داریم گفت‌وگو می‌کنیم.

یک حجره زنده در حقیقت به یک دستگاه بزرگ اورگانیزه می‌ماند که به صدها فابریکه مختلف دیگر را در خود جا داده است و به شکل هماهنگ در حال کار و تولید اند. یکی از این فابریکه‌ها که به‌نام «میتوکاندری» یاد می‌شود، وظیفه‌اش تولید انرژی است. یعنی آن‌چه ما به‌صرف می‌رسانیم، در همین فابریکه به انرژی تبدیل می‌گردد و در حقیقت این همان انرژی‌ست که ما به‌خاطر پیشبرد زنده‌گی خویش به آن نیاز حتمی داریم.

حالا چیزی که به موضوع ما ربط می‌گیرد این است: هنگامی‌که ما تغذیه می‌شویم تا انرژی لازم را به‌دست آوریم، در حقیقت فعل و انفعال آن در همین فابریکه صورت می‌گیرد؛ یعنی به هر پیمانه‌ی که ما بیشتر تغذیه شویم، به‌همان پیمانه فابریکه نام‌برده بیشتر فعالیت کرده و انرژی بیشتری را تولید می‌نماید. نکته خلی مهم این‌جاست که همان‌طور که یک فابریکه بیشتر کار و تولید می‌کند به‌همان اندازه مواد زاید نیز تولید و روی هم انباشته می‌شوند، همین انباشته شدن مواد زاید در داخل حجره است که رفته‌رفته سبب کاهش در کیفیت فعالیت حجرات گردیده که آن را علایم پیری می‌نامیم. یعنی پیری مساوی‌ست با تولید و انباشته شدن مواد زاید داخل حجرات.

از این گفته‌ها برمی‌آید که تغذیه کم و متناسب در انباشته شدن مواد زاید نقش بنیادین دارد. پس تغذیه کم و متناسب مساوی‌ست با طول عمر بیشتر و با کیفیت‌تر.»

روزه آن مقدار انرژی بدن را که در روزهای عادی برای هضم مواد غذایی به‌کار می‌رود، صرفه می‌نماید. زمانی که این نیرو را با نیروی روحانی برخاسته از فضای روزه‌داری جمع نماییم، تو گویی به منبع بزرگ انرژی وصل شده‌ایم. زمانی که «مارتین کورنیکا» در سن هفتاد ساله‌گی (سال ۱۹۵۵ م) برنده مسابقه «تورنمنت جنوب غربی تینس» در امریکا اعلام گردید، مردم از او پرسیدند که راز بزرگ این موفقیت غیرعادی در چه نهفته بوده است. او پاسخ داد: در روزه.

غذا گاهی بار دوش بدن انسان می‌شود، و رهایی از آن، رهایی از دردسری بزرگ است. رمضان موسم پاک‌کاری پره‌های پیچیده دستگاه بزرگ جسم و فصل آب کردن چربی‌های طفیلی و ریشه‌کن نمودن مواد زاید در بدن می‌باشد.

امروز هزاران عالم و دانشمند در گوشه و کنار جهان به نگارش هزاران اثر علمی در باب روزه و فواید آن پرداخته‌اند؛ دانشمندانی که اساساً غیرمسلمان‌اند. روزه را پیوندی است نیرومند با علم و دانش که قرآن کریم در آیت ۱۸۴ سوره بقره به این حقیقت اشاره نموده، می‌فرماید:

«وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

یعنی: اگر روزه بگیرید، این برای‌تان بهتر است، اگر شما

بدانید.

آری! جاده دانستن و تفکر و اندیشه‌ورزی، به مدرسه روزه منتهی می‌شود.

روزه و ترویج فرهنگ گرسنه‌گی

یکی از مفاهیمی که در لاشعور گروهی از مسلمانان جا گرفته، تقدیس گرسنه‌گی و تجلیل از فرهنگ گرسنه‌گی می‌باشد که روزه از نظر آن‌ها چیزی جز تمرین گرسنه زیستن نیست.

یکی از تناقضاتی که از دیرزمانی دامن‌گیر مسلمانان گردیده، در ضرورت خوردن و فضیلت نخوردن بازتاب یافته است. ما از یک‌سو می‌بینیم که گرسنه‌گی در دو مرجع اصیل اسلامی «قرآن و سنت» عذابی بزرگ تلقی می‌شود. قرآن زمانی‌که از نعمت‌های خدا برای قریشیان یاد می‌کند، می‌فرماید:

«فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ»

«خدای این خانه را بپرستید که شما را هم از گرسنه‌گی و هم از ترس نجات داد.»

از دیدگاه قرآن کریم بسط امنیت غذایی و گسترش امنیت اجتماعی، دو رکن اصیل جوامع سعادت‌مند به‌شمار می‌روند. گرسنه‌گی به‌مانند بیماری و بدامنی و قحطی، یکی از آزمایش‌های الهی به حساب می‌رود که آیه ۱۵۷ سوره بقره به آن اشاره دارد. آیه ۱۲۲ سوره نحل از چشیدن لباس گرسنه‌گی و بی‌امنی حرف می‌زند؛ تعبیر بلیغی که خواننده را وامی‌دارد تا درد گرسنه‌گی را با تمام حواس خویش بچشد. تعبیری که اشاره به هولناک بودن عذاب گرسنه‌گی دارد.

هم‌چنان دیده می‌شود که پیامبر اسلام به‌عنوان ترجمان عملی قرآن، پیوسته از گرسنه‌گی به خدا پناه برده و فقر و گرسنه‌گی و کفر را در یک ردیف قرار می‌دهد. در حدیثی که ابوداود و دیگران روایت نموده‌اند می‌فرماید که «خدایا من از گرسنه‌گی به‌تو پناه می‌برم.» این‌که پیامبر اکرم می‌فرماید، هستند کسانی‌که با روزه‌شان حاصلی جز

در مدرسه عرفان، گرسنه‌گی تمرینی است در جهت شکستن بت لجام‌گسیخته شهوت. گرسنه‌گی در ادبیات عرفانی ما، به مفهوم زیر کنترل آوردن شکم است که راه را برای کنترل بیشتر نفس هموار می‌سازد، نه ذات گرسنه‌گی به مفهوم متداول آن. عارفان می‌گویند که اسیر بطن، اهل باطن نمی‌شود. رویکرد آن‌ها در این زمینه رهایی از اسارت شکم و اسراف و تلذذ بوده، نه نفی سخن قرآن که می‌گوید:

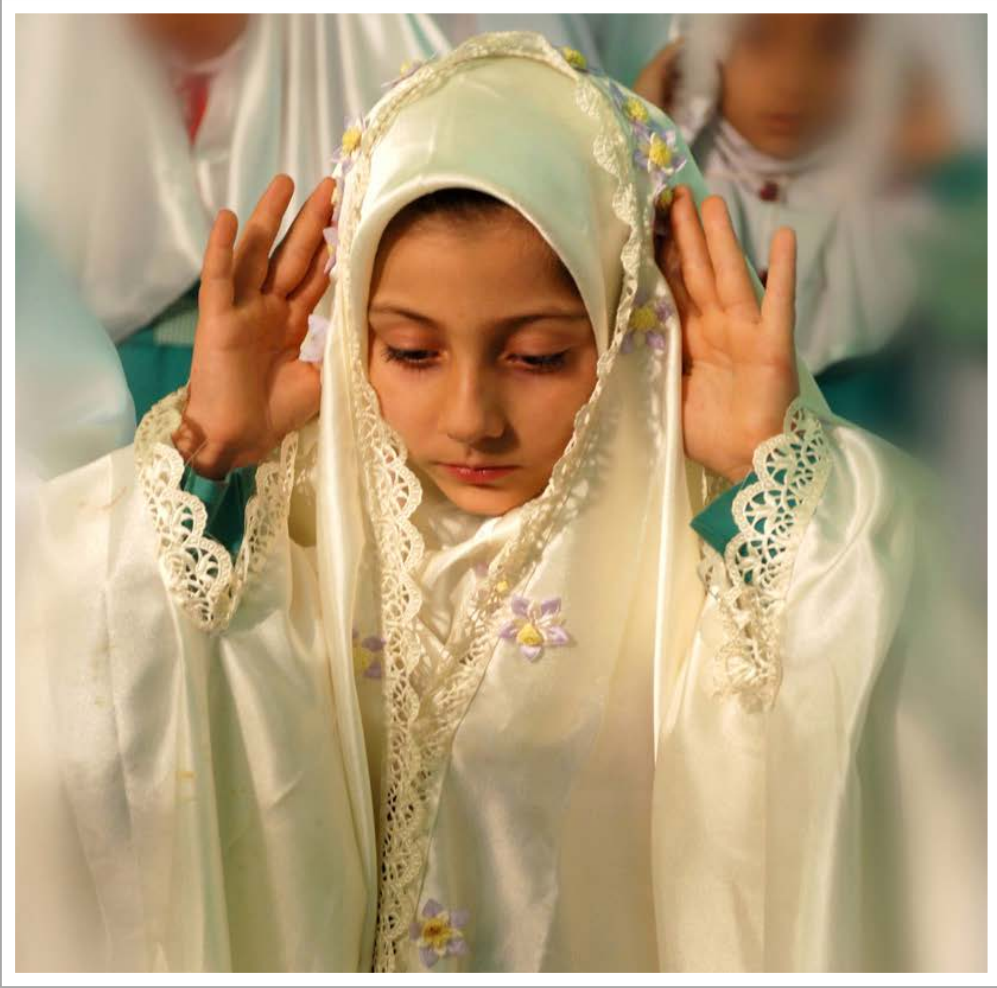
«از خوردنی‌های پاکیزه‌ی بی‌برای‌تان ارزانی داشته‌ایم نوش جان کنید.»

شیخ اجل سعدی شیرازی معتقد بود که گرسنه‌گی قوت از پرهیز بستاند و بی‌نوابی عنان از کف تقوا. ما مصداق‌های زنده این سخن حکیمانه سعدی را در جوامع امروزی به‌چشم سر می‌بینیم. او هم‌چنان می‌گوید:

«اگر قدرت جودست و گر قوت سجود، توانگران را به خوشا میسر شود که مال مرکا پاکیزه دارند و جامه پاک و عرض مصون و دل فارغ، و قوت طاعت در لقمه لطیف است و صحت عبادت در کسوت نظیف پیدااست که از معده خالی چه قوت آید وز دست تهی چه مروت وز پای تشنه چه سیر آید و از دست گرسنه چه خیر.»

گرسنه‌گی اساس سیه‌روزی‌های بزرگی در جهان ما به حساب می‌آید. امروز همین درد گرسنه‌گی است که افراد و ملت‌ها را در پای دیو سرمایه به زانو در آورده و استقلال و اراده و آزادی‌شان را سلب نموده است. امروز فریاد معده در برخی از جوامع انسانی، بلندتر از فریاد وجدان آن‌هاست. گرسنه‌گی تأثیری بس زیان‌بار بر سلوک فرد و جامعه نیز دارد. گرسنه‌گی در تاریخ ما گاهی به فروختن فرزندان دلبند گرسنه‌گان انجامیده است.

رمضان برای این نیست تا خود را آماده گرسنه زیستن نماییم، رمضان برای آن است تا از درد قربانیان اهریمن گرسنه‌گی اطلاع یابیم. رمضان تمرین‌گاه مبارزه با دیو بد سرشت احتیاج است. رمضان «کمپاین»ی همه‌گانی برای ایجاد فضای مبارزه با قحطی و گرسنه‌گی و فقر و بی‌نوابی



گرسنه‌گی و تشنه‌گی به دست نمی‌آورند، می‌تواند اشاره به مفهوم منفی گرسنه‌گی داشته باشد. در این زمینه احادیث و شواهد فراوانی می‌توان آورد.

آن‌چه در زنده‌گی و تعالیم پیامبر اسلام (۸) دیده می‌شود، توصیه به حالتی است که در میان سیری و گرسنه‌گی وجود دارد. مسلمان‌ها این حالت را چنین تعریف نموده‌اند:

«نَحْنُ قَوْمٌ لَا نَأْكُلُ حَتَّى نَجُوعَ وَإِذَا أَكَلْنَا لَا نَشْبَعُ»

یعنی، ما گروهی هستیم که تا گرسنه نشویم غذا نمی‌خوریم و پیش از آن‌که سیر شویم، دست از غذا می‌کشیم.

می‌گویند پس از آن‌که ما به خوردن شروع می‌کنیم، بیست دقیقه طول می‌کشد تا فرمان سیری از سوی معده برای مغز صادر شود؛ به این مفهوم که مغز انسان دیرتر از سیر شدن اطلاع یافته و احساس سیری در مغز دیرتر به‌وجود می‌آید. آن‌چه گفته آمدیم از یک‌سو، و از سوی دیگر می‌بینیم که عارفان وارسته ما خیلی در فضیلت گرسنه‌گی گفته و نوشته‌اند. مولانا تا جایی در این راه پیش می‌رود که می‌گوید:

این دهان بستنی دهانی باز شد

و یا این‌که:

جوع خود سلطان داروهایست هین

جوع در جان نه، چنین خوارش مبین

پرسی که مطرح می‌شود، این تناقض را چه‌گونه می‌توان حل کرد؟

پرسش دیگری که مطرح می‌شود؛ چرا این ماه را بر مبنای سال‌نمای مهتابی محاسبه می‌کنند؟ در پاسخ باید گفت که چون تقویم قمری در هر سه سال، ماه رمضان را یک ماه پیش انداخته و رمضان در مدار سال گردش می‌نماید، به همین لحاظ تعیین رمضان بر بنیاد تقویم قمری ما را کمک می‌نماید تا هم در موسم گرما تمرین گرسنه‌گی نماییم و هم در فصل سرما، هم روزهای دراز را تجربه نماییم و هم روزهای کوتاه را. این دوره در ۳۳ سال تکمیل می‌گردد. به این معنی؛ کسی که در ۱۲ سالگی به روزه گرفتن آغاز نموده است، در سن ۴۵ سالگی خویش، روزه‌گیری در تمام فصول گرم و سرد و روزهای دراز و کوتاه سال را تجربه نموده است. آری! رمضان مدرسه تمرین‌های دشوار و سنجیده‌شده است.

در رابطه با روزه و حرکت مهتاب یک نکته دیگر هم قابل یادآوری است. در احادیث پیامبر اسلام (۸) آمده است که روزه گرفتن در «ایام البیض» که همان روزهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ شب‌های مهتابی است، فضیلت زیادی دارد که ترمذی و نسائی و ابن حبان آن را در کتاب‌های حدیث خویش روایت نموده‌اند. پرسشی که مطرح می‌شود؛ چرا روزه در این روزها؟ در پاسخ باید گفت که تنی چند از دانشمندان ساینس در غرب به این باور اند که در این شب‌ها و روزها، سلوک و رفتار انسان دست‌خوش تغییر می‌گردد. دکتر گاریان فولد، که برای سی‌سال تمام مسوول بخش حالت‌های اضطراری بیمارستان سینت واینسینت در سیدنی استرلیا بوده است می‌گوید که در تمامی دوران وظیفه‌اش متوجه بوده که بیماران در این روزها حالتی عجیب و غیر عادی داشته‌اند. دکتر کریسچن کچوچن از دانشگاه بیسیل

که کمترین دانشگاه در کشور سوئیس می‌باشد، با این دانشمند هم‌نظر بوده و می‌گوید که در این شب‌ها مردم ۲۰٪ کمتر خواب می‌کنند. آقای آدم فیزپتریک روان‌شناس شهر سیدنی می‌گوید که او تعداد بیماران روانی خویش را بر مبنای حجم مهتاب پیش‌بینی می‌کند. به این معنی که به هر اندازه‌ی که حجم مهتاب بزرگ‌تر باشد، به همان اندازه بیماران بیشتری به او رو می‌آورند. او می‌گوید که انسان‌ها در این شب و روز خیلی احساساتی می‌شوند، روابطشان دچار مشکل می‌گردد و تماس‌های‌شان با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌شود. به گفته او در این مدت مردم بیشتر نیاز به کمک دارند، چون نمی‌توانند خشم خویش را به‌سان روزهای عادی کنترل نمایند. توصیه او این است تا مردم آماده چنین وضعی باشند و به اصطلاح ما سر را خم کنند تا توفان بگذرد.

روزه در این روزها انسان را کمک خواهد کرد تا اخلاق روزه‌داری را مراعات نموده، دست و زبان و احساسات خویش را در کنترل داشته و تمرین صبر و شکیبایی نماید تا آن‌که توفان بگذرد.

من که از استخدام بی‌جای یافته‌های علمی در راه تأیید عقاید و باورهای دینی نفرت دارم و آن را هم به زیان دین می‌دانم و هم به ضرر دانش، در زمینه پذیرش و یا عدم پذیرش این یافته علمی هم اصراری ندارم، همین قدر می‌گویم که موضوع را باید بیشتر کافت و مسلمانان خود باید به چنین نتایجی دست می‌یافتند که متأسفانه چنین نیست.

روان‌شناسی روزه

گاهان و جنایت‌ها در بیشترین حالت‌ها از سستی اراده فرد نشأت می‌کند؛ چه این اراده برای ارتکاب خشونت باشد یا اعتیاد، قمار، خیانت و یا هر جنایت دیگر. بی‌اراده‌گی و شکست در برابر هوای نفس، مقدمه همه جنایت‌ها شناخته شده است. اگر انسان نتواند بت نفس را بشکند، این کشش‌ها او را به سوی هر گناهی می‌تواند سوق دهد. انسان گنه‌کار خود را اسیر این غریزه‌ها و انگیزه‌های نیرومند یافته و قدرت حرکت را از دست می‌دهد. افسرده‌گی و خودکشی و یا شکار وسوسه‌های فضیحت‌بار شدن، نتیجه دیگر این بی‌اراده‌گی است.

انسان دارای دو قوه خیلی نیرومندی‌ست که اساس مصیبت‌های فراوانی در جامعه می‌شود که یکی قوه غضبیه است و دیگری قوه شهوانیه. هر که بتواند در لحظات هیجان و فوران، لجام این دو نیرو را در چنگ داشته باشد، یکی از شروط اساسی موفقیت در زنده‌گی را در دست داشته است. کنترل نفس و هوا و هوس، قدم نخستین پیروزی در میدان زنده‌گی است. گروهی تصور می‌کنند که تمدن غرب شاید بر شانه همین خروس‌مشریان بی‌ارده و بی‌خاصیتی بنا یافته که در کنار جاده‌ها غنوده‌اند، بی‌خبر از این‌که این تمدن محصول کار و عرق مردان و زنان با اراده و سخت‌کوش بوده است. رمضان، کورس تقویت اراده برای تمامی اعضای جامعه است. هر روزه‌داری در این ماه در برابر جاذبه‌های غریزه و شهوت مقاومت نموده و این تمرین برای یک‌ماه تمام ادامه می‌یابد. ارسطو می‌گوید: انسان چیزی جز آن‌چه مکرراً انجام می‌دهد نیست و تقو در زنده‌گی بیشتر از آن‌که به عمل‌کرد برگردد، به عادت بر می‌گردد؛ عادتی که می‌توان آن را تغییر داد. دانشمندان معتقد اند که برای شکستادن عادتی حداقل یک‌ماه باید تمرین نمود. آن عده از دانشمندانی که روزه گرفتن را برای امور بهداشتی هم توصیه نموده‌اند، چهار تا هفت هفته را در سال سفارش نموده‌اند.

بن بست در بن بست

احمد عمران

چند روز است که بر اساس طرح توافق شده میان دو ستاد انتخاباتی، تفتیش و بازشماری صد در صد آرای انتخابات دور دوم آغاز شده؛ ولی در همین آغاز می‌توان حس کرد که این روند خالی از اشکال‌های جدی نیست. نماینده‌گان گروه فنی تیم اصلاحات و همگرایی، از کندی روند انتقاد کرده‌اند و نماینده‌گان تیم تحول و تداوم، از نوع تفتیش و بررسی صندوق‌ها راضی نیستند. روز شنبه که این روند وارد سومین روز خود شد، چیزی نمانده بود که گروه فنی تیم تحول و تداوم در اعتراض به نوع بررسی آراء، کمیسیون انتخابات را ترک کند. کمیسیون انتخابات نیز در واکنش به این موضع‌گیری‌ها، از عدم تجربه در خصوص چنین بررسی‌هایی سخن می‌گوید و می‌خواهد به هر نحو که شده، روی اشکال‌های جدی روند بازرسی آرا سرپوش بگذارد.

آنان که جهان را با تقلب‌های سازمان‌یافته خود به حیرت اندر کرده‌اند، حالا از بی‌تجربه‌گی در عرصه بازرسی آرا می‌نالند. البته نقش ناظران بین‌المللی و متخصصان سازمان ملل که برای حل مشکلات انتخاباتی پا پیش گذاشته‌اند، خلاف وعده‌های پیشین چندان برجسته نمی‌نماید و اصلاً مشخص نیست که این افراد چه نقشی در بازرسی آرا و جدا کردن آرای پاک از تقلبی دارند. انتظار می‌رفت که بر اساس توافق پیشین میان دو نامزد انتخابات، بررسی و بازرسی صندوق‌ها به وسیله بازرسان سازمان ملل متحد انجام شود، تا از یک طرف قناعت تیم‌های انتخاباتی فراهم آید و از سوی دیگر، رأی‌دهنده‌گان دوباره به «فرهنگ انتخابات» برگردند و به آن اعتماد کنند.

در حال حاضر، نسبت به کمیسیون‌های انتخاباتی و در کل انتخابات در میان مردم، نوعی بی‌اعتمادی توأم با نگرانی خلق شده است. اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، بدون شک ارزش‌های مردم‌سالارانه در کشور دچار آسیب می‌شود. مهم‌ترین آسیب، عمدتاً از ناحیه اعتماد رأی‌دهنده‌گان به روند انتخابات می‌تواند نشأت گیرد. اگر در کشوری مردم به نتیجه رای خود باور نداشته باشند، دیگر

به سلامت نظام نیز اعتماد نمی‌کنند.

مردم افغانستان یک بار به صورت مشهود و یک بار هم به صورت پنهان، دچار چنین وضعیتی شده‌اند. در انتخابات اول ریاست جمهوری به صورت پنهان با آرای مردم بازی سیاسی صورت گرفت و نتیجه انتخابات برخلاف رای مردم، به نفع بازنده انتخابات صادره شد. اما در انتخابات دوم ریاست جمهوری که مردم متوجه وضعیت شده بودند و اوضاع را زیر نظر داشتند، به صورت علنی و در روپوش مصلحت‌های ملی، با آرای مردم بازی سیاسی صورت گرفت و یک بار دیگر، بازنده انتخابات برنده انتخابات شد.

فرهنگ انتخابات و رای‌گیری زمانی به بن‌بست می‌رسد که بازنده و برنده جای‌های خود را تعویض کنند. در نظام‌های مردم‌سالار، هیچ مصلحتی نمی‌تواند فراتر از دموکراسی باشد. اگر ارزش‌های مردم‌سالاری به نفع ارزش‌های دیگر صادره شود، کشور به سمت تک‌صدایی و تک‌قطبی شدن خواهد رفت و عملاً از درون ارزش‌های انتخاباتی، حکومت‌های توتالیتری بیرون خواهند شد. احتمال برگشت به گذشته که زیاد از آن سخن گفته می‌شود و بیشتر از سخن گفتن، بیم تحقق آن وجود دارد، به معنای معطل کردن ارزش‌های دموکراتیک و صادره آن‌ها با چیزهای دیگر، مثل مصلحت و یا منافع ملی است.

رییس‌جمهور کززی جفای بزرگی بر افغانستان روا داشته است. او چنان خود را به زور بر جامعه تحمیل کرد که حالا فقط میراث او برای حکومت‌های آینده را می‌توان در فساد گسترده، قدرت‌های مافیایی و فرهنگ مصادره ارزش‌های مدرن به نفع ارزش‌های پیشامدرن و حتا پیشا پیشامدرن مشاهده کرد. آقای کززی خلاف باور برخی نزدیکان و مریدان او، سیاست‌مداری غیراخلاقی بود؛ سیاست‌مداری که صداقت کمتر و آز بیشتر داشت. من وقتی با فعل گذشته از او سخن می‌گویم، به این معناست که آقای کززی دیگر در زمان حال وجود ندارد. او خودش را در تمامیت خواهی و زیاده‌طلبی‌های مدفون کرد.

زمانی متوقف نشده است و در این زمینه کدام مانع سیاسی‌بی نیز وجود نداشت.

آقای ذکی تصریح کرد و گفت: در جریان یک کار کلان که ابعاد آن وسیع است و دو تیمی که پیش از این بنای مناسبات شان بر رقابت بود و حالا بر اشتراک مساعی و همکاری در یک پروژه کلان (تفتیش آرا) قرار می‌گیرد؛ نظریات مختلف وجود دارد و گاهی اوقات سوالاتی به میان می‌آید و قرار هر دو تیم هم روی این است که در هم‌چو موارد سوالات را می‌شود با هم بررسی کنند و راه پیشرفت را پیدا کنند.

فیض‌الله ذکی تأکید می‌کند: هر دو تیم روی مسایلی که مطرح شده بود، یک وقفه گرفته بودند و حالا کار به گونه عادی جریان دارد.

سخنگوی ستاد اشرف غنی احمدزی می‌افزاید: هدف هر دو تیم تشریح مساعی است و این هدف هیچ‌گهی خلل نخواهد پذیرفت.

در عین حال، فهیم نعیمی سخنگوی بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (فیفا) می‌گوید: در صورتی میان هر دو تیم اتفاق نظر وجود نداشته باشد، مشکلات زیاد به وجود خواهد آمد و سبب می‌شود تا اعتمادی را که دوباره بالای پروژه کرده اند، صدمه

از بازمانده‌گان قربانیان رویداد اخیر تروریستی سخنرانی کرد.

او ضمن سپردن کمک نقدی خویش به خانواده‌های قربانیان رویداد خونین ارگون، گفت که چنین حوادثی را غیرقابل تحمل خواند و بر پیگیری عاملان این رویداد تأکید کرد.

افغانستان پسا طالبانی، نیاز به رییس‌جمهوری داشت که اهل خرد سیاسی می‌بود؛ رییس‌جمهوری که زمینه را در دور اول برای کنار گذاشتن خود پس از مأموریت مهم و تاریخی دوره انتقالی فراهم می‌کرد.

مردم افغانستان در سیزده سال گذشته، دست‌کم باید با سه چهره در مدیریت کلان کشور روبه‌رو می‌شدند. این حرف‌ها شاید برای برخی‌ها چندان با نظریه‌پردازی‌های سیاسی همخوانی نداشته باشد، ولی بدون شک پاسخ خوبی برای شرایط افغانستان می‌تواند باشد. کززی اما چنین سیاست‌مداری نبود و نتوانست از افغانستان کشوری با معیارهای دموکراتیک بسازد. او حالا پس از سیزده سال متوجه شده که نظام بازار آزاد برای افغانستان نظام مناسب اقتصادی نبوده است. نمی‌دانم الگوی اقتصادی‌یی را که آقای کززی پس از سیزده سال تجربه حکومت‌داری برای افغانستان در نظر دارد، کدام الگو است. شاید روح یکی از رهبران کودتای هفت ثور به بدن او حلول کرده باشد و حالا از اقتصاد دولتی حمایت کند. این دیدگاه حتا در عرصه انتخابات نیز به چشم می‌خورد.

آقای کززی هم‌چنان کارگردان اصلی سناریوی انتخابات باقی مانده است. او عقل کل انتخابات افغانستان است و هیچ زعیمی را اصلح‌تر از خویش برای این کشور غارت‌شده به وسیله خودش و اطرافیانش نمی‌داند. مثل این است که آقای کززی، افغانستان را مساعدترین کشور جهان برای غارت‌گری تشخیص داده است. امروز اگر چیزی به نام بن‌بست انتخابات را شاهدیم، آن‌هم از برکت دست‌اندازی‌ها و مداخلات رییس‌جمهوری است. البته، این پایان کار نیست و بار دیگر، انتخابات به وسیله او به بن‌بستی تازه رسیده است.

روز گذشته، نماینده‌گان فنی تیم تحول و تداوم از حضور در کمیسیون انتخابات برای نظارت بر روند بازرسی آرا اجتناب ورزیدند. این نخستین نشانه‌های آغاز بحرانی تازه باید پنداشته شود که می‌تواند نتیجه انتخابات را بازمه تا تأخیر روبه‌رو کند.

ببیند.

سخنگوی فیفا تأکید می‌کند که اگر راه حلی با توافق میان هر دو ستاد به میان نیاید، سبب کندی در تفتیش آرا و دوام‌دار شدن این پروژه خواهد شد و نتایج نهایی در زمانی که پیش از این تعیین شده است و مردم سخت منتظر آن هستند، اعلام نخواهد شد.

سخنگوی بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (فیفا) از کمیسیون انتخابات می‌خواهد تا بر بنیاد توافق قبلی‌یی که میان هر دو تیم انتخاباتی صورت گرفته است، پروژه تفتیش آرا را در حضور ناظرین و مشاهدین انجام دهند و معیارهایی که برای تفتیش در نظر گرفته شده است، مطابق به آن این روند ادامه یابد.

آقای نعیمی تأکید می‌کند: در پیوند به تفتیش آرا باید کارشیوه مشخصی وجود داشته باشد تا نامزدان روی آن توافق داشته باشند و هم‌چنان بر بنیاد آن آرای تقلبی‌یی که مشخص می‌شود باطل اعلام گردد.

سخنگوی فیفا کمیسیون انتخابات را مکلف می‌داند تا در پیوند به پرسش‌ها و اختلاف نظرهایی که میان دو تیم انتخاباتی بوجود می‌آید، پاسخ‌گو بوده تا شفافیت روند تفتیش آرا تضمین گردد.

پیش از این رییس‌جمهور کززی در رأس یک هیأت بلندپایه از ولسوالی ارگون دیدار کرد. آقای کززی وعده بازسازی بازار ارگون و کمک به خانواده‌های قربانیان و زخمی‌ها را داد. دکتر عبدالله را در این سفر شماری از بزرگان پکتیکا همراهی می‌کردند.

باید منصف...

و سیاست‌شناسان آن‌ها را نشانی کرده‌اند و توضیح داده‌اند. در این خاک هرزه، این گل هنوز نرویده است، و این «جمع پریشان» ربطی به مفهوم ملت و دولت ملی ندارد.

نه دولت ملی داریم و نه هم می‌توانیم آن را در شب‌های دروغین انتخابات، همچون قارچی از زمین برویاییم. اما هر شهروندی حق دارد به یمن آگاهی خود، ابراز نظر کند، راهی پیشنهاد کند و راهی برگزیند.

من با طرح اجندای ملی آقای احمدولی مسعود موافق نیستم، اما می‌دانم و مطلع هستم که این اجندا - هرچه باشد - حاصل فکر و اندیشه ایشان است و در جهت عمومی کردن این طرح، هم به لحاظ مادی و هم معنوی، زحمات بسیاری کشیده‌اند. باید انصاف داشت. این‌که این کوشش ثمر می‌دهد یا نه، مقبول واقع می‌شود یا نه، زمان مشخص خواهد کرد. به سخن حافظ بزرگ:

صالح و طالح متاع خویش نمودند

تا که قبول افتد و که در نظر آید

آقای مسعود - بدون هرگونه چشم‌داشت وزارت و سفارت - در راستای اجندای ملی از ضرورت ایجاد دولت وحدت ملی هم سخن گفتند؛ چرا که آن اجندا نمی‌توانست معطوفی به این هدف (دولت وحدت ملی) نباشد، ورنه چیزی می‌شد تهی و یله و گفتن برای گفتن....

من در بیان عقاید صریح هستم، خطر می‌ورزم و مصلحت‌بینی نمی‌توانم. از آدمی مثل من بر نمی‌آید که هم به نعل بکوبم و هم به میخ.

وقتی امروز معاون محترم ریاست‌جمهوری از این طرح چونان ابتکار خودشان در مجلس سخن گفتند، ناخوش شدم. شرط انصاف این بود که به ایشان (احمدولی مسعود) رفرانس می‌دادند و از کوشش‌هایی که انجام داده بودند، یادآوری می‌شد تا لاقبل سهم اندک یا زیاد، حقی و حق دیگری ضایع نمی‌شد. آن‌چه در موقعیت‌هایی مثل مجلس گفته می‌شود، رسماً ثبت می‌گردد. آشفته‌گی ذهنی‌یی که در نتیجه چنین بی‌پروایی‌ها ایجاد می‌شود، کار داوران را به مشکل مواجه می‌سازد. پس باید منصف بود!

مشخص نشدن سرنوشت...

خان افضل هده‌وال معاون این بانک گفت این مساله سبب شد تا در حال حاضر مصارف کابل بانک نو زیاد و عواید آن اندک باشد.

در این میان، مسوولان وزارت مالیه افغانستان می‌گویند که دو طرح یکی خصوصی‌سازی نوی کابل بانک و دیگری احیای مجدد و بانکداری دولتی را تا چند هفته آینده به کمیته اقتصادی شورای وزیران ارایه خواهند کرد.

محمد آقا کوهستانی رییس خزاین این وزارت گفت اگر کابل بانک نو به سکتور خصوصی سپرده شود؛ رشد خوبی خواهد داشت، اما اگر دولت بخواهد فعالیت‌های آن را پیش ببرد به سرمایه‌گذاری ضرورت است که به گفته وی امکانات بودجه‌یی آن اندک است.

او گفت: « طرح‌ها آماده فرستادن به کمیته اقتصادی کابینه اند این کمیته هدایت خواهد داد که این بانک حفظ شود و یا این که دوباره به سکتور خصوصی سپرده شود. ما بررسی‌های خود را انجام دادیم اگر کابل بانک نو به سکتور خصوصی سپرده شود خوب انکشاف خواهد کرد کمپنی حاضر است که تا هفتاد میلیون دالر در آن سرمایه گذاری کند و اگر دولت بخواهد بانکداری کند اول از لحاظ اقتصاد بازار درست نیست و دوم هم این که به یک سرمایه گذاری ضرورت دارد. »

در حال حاضر در افغانستان در کنار سه بانک دولتی شانزده بانک خصوصی فعالیت دارند.

اما گفته می‌شود که پس از سقوط کابل بانک در سال ۲۰۱۰ میلادی اعتماد مردم نسبت به سیستم بانکداری در کشور کاهش یافت.

کابل بانک پس از آن به بحران کشانیده شد که گزارش‌های از بیرون شدن صد ها میلیون دالر از این بانک به گونه غیر قانونی، منتشر شد.

بیش از بیست تن به دست داشتن در این قضیه متهم شناخته شدند که بر علاوه حبس تغذی از شش ماه تا پنج سال به پرداخت جریمه نقدی هم محکوم شدند.

با آنکه وزارت مالیه افغانستان از فرستادن هرچه زودتر طرح‌های جدید اش در مورد کابل بانک نو به کمیته اقتصادی اطمینان میدهد اما گزارش‌های وجود دارند که احتمالاً تصمیم‌گیری در رابطه به خصوصی‌سازی نوی کابل بانک و یا هم فعالیت آن در چوکات دولت به حکومت آینده افغانستان واگذار خواهد شد.

اردوغان:

اسرائیل دست هیتلر را از پشت بسته است

می گوید که فلسطینی ها نباید مسلح باشند. پس آن‌ها با چه چیزی از خود دفاع کنند.

اردوغان یک بار دیگر به صحبت‌های آیلت شاکر، معاون حزب ناسیونالیست افراطی خانه یهود اشاره کرد و گفت: یک رسانه حامی فلسطینی هفته گذشته این زن را به خاطر تحریک خشونت‌ها در پست مطلبی در فیس بوک از قول مطالب چاپ شده یک خبرنگار اسرائیلی مورد انتقاد قرار داد. این زن اسرائیلی گفته است که مادران شهیدان فلسطینی هم بایستی کشته شوند. نخست وزیر ترکیه با انتقاد از واکنش کند فعالان حقوق زنان در ترکیه نسبت به گفته‌های این معاون حزب اسرائیلی گفت: پس شما چه زنانی هستید؟ چرا ساکت نشسته‌اید. چون همان ذهنیت را دارید. آن‌ها مخالف نقش مادری هستند، اما برای ما مادر بودن والاترین جایگاه برای یک زن است.

وی همچنین نارضایتی خود را بابت واکنش‌های اخیر علیه یهودیان ساکن ترکیه ابراز داشت و گفت: من از رویکردی که اخیرا در قبال یهودیان ساکن ترکیه اتخاذ شده کاملا ناامید و ناراضی هستم. آن‌ها شهروندان ترکیه و تحت ضمانت کشور و دولت هستند. هدف اصلی خشم و غضب ساکنان ترکیه بایستی اسرائیل باشد.

اردوغان با اشاره به اکمل‌الدین احسان اوغلو، کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری آگست ۲۰۱۴ ترکیه و رییس سابق سازمان همکاری اسلامی گفت: غرب و آمریکا و بسیاری از کشورهای اسلامی همچنان در مقابل حملات علیه غزه ساکت هستند، احسان اوغلو نیز بسیار دیر واکنش نشان داد.

در همین حال کمال قلیچدار اوغلو، رهبر حزب مردم جمهوری خواه ترکیه از رای دهندگان خواست تا از احسان اوغلو حمایت کنند و با اشاره به رادار ضد موشکی ناتو در شرق ترکیه که با تصویب دولت اردوغان در کشور مستقر شده است، مدعی شد: اگر واقعا خواهان حل مساله فلسطین هستید، بایستی این رادارها را از کشور خارج کنید. اگر ترکیه بخواهد قدرتی در خاورمیانه داشته باشد آن قدرت اکمل‌الدین احسان اوغلو است.

صلاح‌الدین دمیرتاش، نامزد مردم دموکراتیک نیز با اعلام اینکه ما در کنار مردم فلسطین می‌ایستیم، مدعی شد، دولت آنکارا استاندار دوگانه‌ای را در قبال تل آویو اتخاذ کرده است. هم واکنش خود را در مقابل تل آویو محدود کرده هم به اسرائیل اجازه داده تا قرارداد بزرگ نظامی، استقرار رادار و سرباز در خاک ترکیه را منعقد کند.

دمیرتاش ادامه داد: اردوغان حق ندارد به ما بگوید شعار مرگ بر اسرائیل ندهیم، در حالی که جوانان ترکیه در دوران نخست وزیری‌اش کشته شده‌اند.



در حالی که مساله فلسطین یکی از مسائل اصلی کمپین انتخابات ریاست جمهوری ترکیه به شمار می‌رود، نخست وزیر ترکیه صحبت‌های رییس جمهور آمریکا که گفته بود اسرائیل حق دفاع از خود را دارد، مورد انتقاد قرار داد و از فعالان حقوق زنان کشورش نیز به خاطر عدم واکنش سریع به صحبت‌های وزیر اسرائیلی که گفته بود مادران شهیدای فلسطینی هم باید کشته شوند، انتقاد کرد.

به نوشته روزنامه حریت، رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه در جریان یک سخنرانی در میان حامیان در استان اوردو واقع در حاشیه دریای سیاه گفت: اسرائیل یکبار دیگر غزه را هدف قرار داده و کودکان بیگانه‌ای را که در ساحل بازی می‌کردند، کشته است. اسرائیل همواره آدولف هیتلر، رهبر نازی‌های آلمان را مورد انتقاد قرار می‌دهد اما این بار خودش دست هیتلر را در انجام اقدامات وحشیانه از پشت بسته است. برخی آمریکایی‌ها از من می‌پرسند که چرا اسرائیل را با هیتلر مقایسه می‌کنم. به شما چه ربطی دارد؟ شما آمریکایی هستید هیتلر با شما چه کار کرد؟ در حالی که جمعیت هواخواهان اردوغان مکررا شعار « مرگ بر اسرائیل» سر می‌دادند، وی ادامه داد: این چه نوع دفاع از خودی است که باراک اوباما، رییس جمهور آمریکا به خاطرش از اقدامات اسرائیل علیه مردم غزه دفاع می‌کند. تنها یک اسرائیلی در مقابل ۳۰۰ فلسطینی کشته شده است. این چه نوع دفاعی است؟ اسرائیل همه نوع ابزار دفاعی حتی بمب اتم دارد اما

افزایش ۳۵ درصدی بیماری‌های واگیر در پروان



با افزایش گرمی هوا در ولایت پروان، مسوولان بهداشتی این ولایت از افزایش بیماری‌های انتانی (واگیردار) به ویژه اسهال و استفراغ خبر می‌دهند.

داکتر قاسم سنگین پزشک مسوول شفاخانه صدبستر پروان در این مورد به خبرنگاری جمهور گفت: « در یک ماه جوزای سال روان، از میان هجده هزار بیمار که به این شفاخانه مراجعه کرده اند؛ ۳۵ درصد آن که رقم شان به ۶۳۰۰ نفر می‌رسد؛ مصاب به امراض انتانی بخصوص اسهال و استفراغ بوده اند که این رقم نشان دهنده بالا رفتن ده فیصد میزان امراض انتانی نسبت یک ماه جوزای سال گذشته است.»

به گفته او، سه طفل در نتیجه اسهال و استفراغ در یک ماه گذشته از بین رفته اند.

او تصریح کرد: با آمدن گرما آمار اسهال و استفراغ در کودکان بیشتر شده؛ زیرا در ماه ثور، این تعداد مریض به شفاخانه مراجعه نکرده بود و تعدادشان نهایتا به ۳ هزار می‌رسید.

آقای سنگین افزود که روزانه بخاطر تداوی اسهال و استفراغ، دو بیمار مراجعه می‌کند که اکثر بیمارها اطفال هستند.

به گفته آقای سنگین، دلیل افزایش امراض انتانی، استفاده از سبزیجات و ترکاری‌های بازار و

میوه‌های ناشسته است. یکی از باشندگان پروان که طفلش دچار مریضی برخاسته از گرمی هوا شده از این وضعیت شکایت می‌کند و می‌گوید:

« طفلک من سه ساله است. نامش محمد شریف است. اسهال و استفراغ دارد. از شب تا حال بسیار ضعیف شده؛ پیش از این مریض نشده بود.»

وی احتمال می‌دهد که دلیل بیماری پسرش، خوردن میوه ناشسته بوده است. آگاهان بهداشتی به این باورند که اگر در زمینه جلوگیری از گسترش این گونه امراض و فروش مواد خوراکی غیر بهداشتی کاری صورت نگیرد؛ دامنه این امراض گسترده‌تر شده و به شمار افراد مبتلا به این امراض افزوده خواهد شد.

جان‌آلن در کنفرانس «میراث کرزی»:

شناخت کرزی از ما به مراتب بهتر از شناخت ما از او بود

کرزی از ما به مراتب بهتر از شناخت ما از او بوده است.

جنرال آلن که بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ میلادی فرمانده نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان بود، اظهار داشته است که رییس‌جمهور کرزی شناخت قوی از اقوام موجود افغانستان دارد.

به گفته جان آلن، آقای کرزی به مشکلات خیلی‌ها پیچیده از دریچه‌ی می‌پرداخت که آنان توان آن را نداشتند و راه حل برای‌شان پیشنهاد می‌کرد.

آقای آلن حین سخنرانی در انستیتوت صلح امریکا که کای آیده نماینده ویژه قبلی سرمنشی سازمان ملل متحد در افغانستان نیز حضور داشته است، کرزی را یک افغانی ملت‌گرا خواند.



فرمانده سابق نیروهای بین‌المللی در افغانستان می‌گوید که رییس جمهور کرزی از سیاست امریکا در برابر پاکستان ناخوششوند بود.

جنرال جان آلن در نشستی که در انستیتوت صلح امریکا در واشنگتن تحت نام «میراث کرزی» برگزار شده بود گفته است: «شناخت



توپچی‌ها بالوتلی را به لیگ برتر برمی‌گردانند



باشگاه آرسنال با ماریو بالوتلی به توافق رسید. آرسنال پس از ۹ فصل توانست در جام اتحادیه به قهرمانی برسد و انتظارات هواداران خود را در نهایت برآورده کند.

آرسن ونگر در این فصل تلاش زیادی می‌کند تا بتواند این تیم را به قهرمانی در یک لیگ معتبر برساند. آن‌ها آلکسیس سانچس را از بارسلونا خریدند تا قدرت هجومی تیم‌شان را افزایش دهند اما به نظر می‌رسد این بازیکن شیلیایی آخرین خرید توپچی‌های لندن در این فصل نباشد.

روزنامه میرر انگلیس خبر داد باشگاه آرسنال با ماریو بالوتلی مهاجم میلان برای انتقال به این تیم به توافق رسیده است. میرر قیمت این انتقال را ۱۵٫۸ میلیون پوند اعلام کرده است. ماریو بالوتلی پیش از این در تیم منچستر سیتی حضور در لیگ برتر انگلیس را تجربه کرد و اکنون می‌تواند بازگشت مجددی را به لیگ انگلیس داشته باشد.

رییس‌جمهور اروگوئه:

سوآرس به روانپزشک نیاز دارد نه محرومیت



محرومیت فایده‌ای ندارد و بهتر است سوآرس یک روانپزشک را ببیند تا محروم شود.

او در پایان گفت: احمقانه است حتی سوآرس نمی‌تواند به ورزشگاه برود و بازی هم تیمی‌هایش را ببیند. محرومیت فیفا برای سوآرس خیلی سنگین بود. فکر می‌کنم فیفا را کسانی اداره می‌کنند که فکر محدودی دارند و به روز نیستند. اکنون منتظریم بازی سوآرس را در کنار مسی و نیمار ببینیم.

لوییس سوآرس پس از جام جهانی ۲۰۱۴ با امضای قراردادی به عضویت تیم بارسلونا درآمد.

رییس‌جمهور اروگوئه عنوان کرد بهترین روش برای بازگرداندن لوییس سوآرس به فوتبال رفتن این بازیکن نزد روانپزشک است.

لوییس سوآرس، مهاجم جنجالی اروگوئه در حال حاضر دوران محرومیت خود را سپری می‌کند. او به دلیل گاز گرفتن کتف جورجو کیلینی، مدافع ایتالیا چهار ماه از هر گونه فعالیت ورزشی محروم شد.

خوزه موجیکا، رییس‌جمهور اروگوئه بار دیگر از فیفا انتقاد و عنوان کرد: سوآرس به یک روانپزشک نیاز دارد نه محرومیت چهار ماهه.

رییس‌جمهور اروگوئه درباره محرومیت لوییس سوآرس گفت: سوآرس بازیکنی است که دوران کودکی خوبی نداشته است و تمام مهارت او به پاهایش برمی‌گردد. بهتر است که او را به بیمارستان ببریم و مورد درمان قرار دهیم. من کاری به محرومیت سوآرس از سوی فیفا ندارم. تنها چیزی که می‌دانم این است که این

آنری:

برای رونالدو احترام قائم اما مسی بهترین بازیکن جهان است



ستاره سابق تیم ملی فرانسه و هم‌تیمی سابق لیونل مسی او را بهترین بازیکن فوتبال جهان می‌داند اما برای کریستیانو رونالدو نیز احترام زیادی قائل است.

لیونل مسی در جام جهانی ۲۰۱۴ تلاش زیادی کرد تا تیمش را به قهرمانی برساند اما در نهایت موفق نشد چرا که تیمش در دیدار فینال به سد بزرگ آلمان خورد و با قبول شکست یک بر صفر برابر آلمان نتوانست به قهرمانی برسد.

تیری آنری، ستاره سابق تیم ملی فرانسه به تمجید از این بازیکن پرداخت و گفت: مسی همه ویژگی‌های یک بازیکن خوب را دارد و بازیکنی است که می‌تواند گل‌های زیادی را برای تیمش به ثمر برساند. او همیشه در خدمت تیم است و نباید از این موضوع چشم‌پوشی کرد. مسی بازیکنی است که می‌داند چطور گلزنی کند. در واقع او از کوچک‌ترین فرصت‌ها گل می‌سازد که این باعث شده به یک بازیکن ارزشمند تبدیل شود. به همین خاطر فکر می‌کنم مسی با توجه به استعداد ذاتی که دارد بهترین بازیکن جهان است. البته کار رونالدو را نیز تمجید می‌کنم. او تلاش زیادی کرده است تا به این جایگاه برسد.

آنری در ادامه گفت: درست است که رونالدو بازیکنی است که با تمرین و تلاش به این

Mandegar

د اوسنی نا امنی سرچینه له زندانونو نه د طالبانو خوشې کېدل

وراندې سخته جگړه کوي. نوموړی د اوسنی پراخېدونکې نا امنی سرچینه د څرخي پله او باگرام له زندان نه د سلگونه زندانیانو خوشې کېدل بولي او وايي، کله چې هغوی نیول شوي ول، جگړه سسته شوې ده: ((جگړه چې کمه وه همدا طالبان نیول شوي ول. دوی ټول قوماندانان ول، جگړه یې کرې وه، تجربه یې درلوده. چل او هنر ور معلوم و. اوس چې بېرته د طالبانو لیکو ته لاړ نو جگړې ورسره زور واخیست.))

د ولسي جرگې دغه غړی وايي، د طالب بندیانو د خوشې کېدو ټول زیان ولسي وگړو ته اړوي، ځکه دولت خو یې نیسي او بېرته یې خوشې کوي، هغوی چې هر څه کوي د دولت پرې خوا نه بدېږي؛ خو طالبانو له بنده نه تر خوشې کېدو وروسته په ولسي



وراندې سخته جگړه کوي. نوموړی د اوسنی پراخېدونکې نا امنی سرچینه د څرخي پله او باگرام له زندان نه د سلگونه زندانیانو خوشې کېدل بولي او وايي، کله چې هغوی نیول شوي ول، جگړه سسته شوې ده: ((جگړه چې کمه وه همدا طالبان نیول شوي ول. دوی ټول قوماندانان ول، جگړه یې کرې وه، تجربه یې درلوده. چل او هنر ور معلوم و. اوس چې بېرته د طالبانو لیکو ته لاړ نو جگړې ورسره زور واخیست.))

د ولسي جرگې دغه غړی وايي، د طالب بندیانو د خوشې کېدو ټول زیان ولسي وگړو ته اړوي، ځکه دولت خو یې نیسي او بېرته یې خوشې کوي، هغوی چې هر څه کوي د دولت پرې خوا نه بدېږي؛ خو طالبانو له بنده نه تر خوشې کېدو وروسته په ولسي

په ملي دفاع وزیر پسي د ولسمشر لومړي مرستیال هم له زندانونو څخه د طالب بندیانو په خوشې کېدو نیوکه کړې او ویلي یې دي، چې دغه کار په هېواد کې جگړه تېزه کړې ده.

د ولسي جرگې غړي هم په دې باور دي، چې د اوسنی جگړې اصلي سرچینه له زندانونو څخه د طالب بندیانو خوشې کېدل دي، چې ډېر زیان یې ملکي وگړو ته اړوي.

د ولسي جرگې غړي احمد بهزاد ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې ویل، له بده مرغه چې له ډېر وخت راهیسې د حکومت له لوري په یو اړخیز ډول د وسله والو ډلو بندیان له زندانونو خوشې کېږي.

هغه وايي، په دې اړه له هماغه مهاله افغانانانو، ملي شورا او شنناندو خبرداري ورکړې ول او خپلې اندېښنې یې په ډاگه کړې وې؛ خو د افغان حکومت له لوري دغو اندېښنو او خبرداریو ته پام ونشو.

د نوموړي په خبره، وضعیت تر ډېره هماغو کسانو خراب کړی، چې د ترهگرۍ په تور په زندانونو کې ول؛ خو د حکومت له لوري خوشې شول او اوس بېرته د طالبانو لیکو ته ورغلي دي، د حکومت پر وړاندې یې جبهه نیولې او جگړه کوي.

ښاغلی بهزاد زیاتوي، په افغان حکومت کې له یوشمېر سیاستوالو سره له بده مرغه چې خورا منفي او ناوړه ذهنیت شتون درلود چې هڅه یې کوله طالبانو ته امتیاز ورکړي.

دی وايي، ښايي فکر دا وي چې د طالب بندیانو خوشې کدل به په هېواد کې د یوه قوم په گټه وي، په داسې حال کې چې طالبانو او نورو وسله والو ډلو تر ټولو ډېر زیان پښتنو ته اړولی دی. نوموړی وايي، که ټولې هغه پېښې چې په سوېل، سوېل ختیځ، ختیځ او یا په ټول هېواد کې ترسره شوي، کره و ارزول شي، ښکاري چې پښتانه د طالبانو او رواني جگړې اصلي قربانیان دي او تر هر چا یې ډېر زیان لیدلی دی.

د ولسي جرگې دغه غړی وايي، هغه سیاستوال چې فکر کوي د طالبانو خوشې کېدل به پښتنو په گټه وي، تېروتي دي.

په همدې حال کې د ولسي جرگې بل غړی مولوي احمدالله موحد ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې ویل، له کوم وخته چې حکومت له څرخي پله او باگرام زندان نه د طالب بندیانو په خوشې کولو لاس پورې کړ، دوی دا مساله رد کړې وه.

دی وايي، له پیل راهیسې یې اندېښنه ښودلې وه، چې له زندانه خوشې کېدونکي طالبان او په ځانگړي ډول طالب مشران او قوماندانان به بېرته د جگړو لیکو ته ورځي او د اوسني نظام پر وړاندې به جگړه کوي.

ښاغلی موحد د بېلگې په ډول د نورستان او کونړ یادونه کوي، چې له زندانه خوشې شوي طالبان اوس بېرته په نورستان او کونړ کې د جگړې واگي په لاس کې اخیستي، مایونونه یې فرش کړي او د حکومت پر

په ملي دفاع وزیر پسي د ولسمشر لومړي مرستیال هم له زندانونو څخه د طالب بندیانو په خوشې کېدو نیوکه کړې او ویلي یې دي، چې دغه کار په هېواد کې جگړه تېزه کړې ده.

د ولسي جرگې غړي هم په دې باور دي، چې د اوسنی جگړې اصلي سرچینه له زندانونو څخه د طالب بندیانو خوشې کېدل دي، چې ډېر زیان یې ملکي وگړو ته اړوي.

د ولسي جرگې غړي احمد بهزاد ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې ویل، له بده مرغه چې له ډېر وخت راهیسې د حکومت له لوري په یو اړخیز ډول د وسله والو ډلو بندیان له زندانونو خوشې کېږي.

هغه وايي، په دې اړه له هماغه مهاله افغانانانو، ملي شورا او شنناندو خبرداري ورکړې ول او خپلې اندېښنې یې په ډاگه کړې وې؛ خو د افغان حکومت له لوري دغو اندېښنو او خبرداریو ته پام ونشو.

د نوموړي په خبره، وضعیت تر ډېره هماغو کسانو خراب کړی، چې د ترهگرۍ په تور په زندانونو کې ول؛ خو د حکومت له لوري خوشې شول او اوس بېرته د طالبانو لیکو ته ورغلي دي، د حکومت پر وړاندې یې جبهه نیولې او جگړه کوي.

ښاغلی بهزاد زیاتوي، په افغان حکومت کې له یوشمېر سیاستوالو سره له بده مرغه چې خورا منفي او ناوړه ذهنیت شتون درلود چې هڅه یې کوله طالبانو ته امتیاز ورکړي.

دی وايي، ښايي فکر دا وي چې د طالب بندیانو خوشې کدل به په هېواد کې د یوه قوم په گټه وي، په داسې حال کې چې طالبانو او نورو وسله والو ډلو تر ټولو ډېر زیان پښتنو ته اړولی دی. نوموړی وايي، که ټولې هغه پېښې چې په سوېل، سوېل ختیځ، ختیځ او یا په ټول هېواد کې ترسره شوي، کره و ارزول شي، ښکاري چې پښتانه د طالبانو او رواني جگړې اصلي قربانیان دي او تر هر چا یې ډېر زیان لیدلی دی.

د ولسي جرگې دغه غړی وايي، هغه سیاستوال چې فکر کوي د طالبانو خوشې کېدل به پښتنو په گټه وي، تېروتي دي.

په همدې حال کې د ولسي جرگې بل غړی مولوي احمدالله موحد ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې ویل، له کوم وخته چې حکومت له څرخي پله او باگرام زندان نه د طالب بندیانو په خوشې کولو لاس پورې کړ، دوی دا مساله رد کړې وه.

دی وايي، له پیل راهیسې یې اندېښنه ښودلې وه، چې له زندانه خوشې کېدونکي طالبان او په ځانگړي ډول طالب مشران او قوماندانان به بېرته د جگړو لیکو ته ورځي او د اوسني نظام پر وړاندې به جگړه کوي.

ښاغلی موحد د بېلگې په ډول د نورستان او کونړ یادونه کوي، چې له زندانه خوشې شوي طالبان اوس بېرته په نورستان او کونړ کې د جگړې واگي په لاس کې اخیستي، مایونونه یې فرش کړي او د حکومت پر

رییس کابل بانک نو:

مشخص نشدن سرنوشت کابل بانک به بودجه دولت زیان بار است



به داوطلبی گذاشته شد، اما پیشه‌هادات دو کمپنی که در این داوطلبی سهم گرفته بودند مورد قبول شورای وزیران قرار نگرفت.

پس از آن این مساله به کمیته اقتصادی این شورا راجع شد تا روی حفظ کابل بانک نو در چوکات دولت و یا واگذاری آن به سکتور خصوصی فیصله کند.

سپس کمیته‌یی متشکل از هیات توظیف شده وزارت مالیه، دافغانستان بانک و نوی کابل بانک به هدف ارایه طرح های مناسب در این رابطه ایجاد گردید.

در این حال مسوولان دافغانستان بانک می‌گویند، به خاطر این‌که هنگام فروش کابل بانک نو به سکتور خصوصی، مشکلات ایجاد نگردد اجازه سرمایه‌گذاری و قرضه برای این بانک داده نشد....

ادامه صفحه ۶

مسوولان کابل بانک می‌گویند این بانک به گونه کامل آماده تطبیق هر دو سیستم است و باید هر چه زودتر در مورد تعیین سرنوشت آن تصمیم گرفته شود.

مسعود موسی‌غازی رییس این بانک روز یکشنبه گفت این بانک باید یا به سکتور خصوصی سپرده شود و یا هم فعالیت‌اش را با رفع محدودیت‌ها در چوکات دولت آغاز کند.

به گزارش رادیوی آزادی، آقای غازی گفت اگر کابل بانک در چوکات فعالیت فعلی دولتی‌اش پس از این جواز سرمایه‌گذاری و قرضه‌دهی را دریافت کند، می‌تواند رشد نماید.

او گفت: «پس از سه سال در وضعیتی قرار داریم که دولت می‌تواند به آسانی فیصله کند که کابل بانک نو را به سکتور خصوصی واگذار کند و یا این که حکم کند که فعالیت‌اش را در چوکات دولت ادامه دهد. اگر قرار باشد که ما در چوکات دولت فعالیت کنیم باید اجازه سرمایه‌گذاری و قرضه‌دهی داده شود.»

آقای غازی افزود که مصارف ماهانه کابل بانک نو در حال حاضر به سه صد هزار دالر می‌رسد و این پول از بودجه دولت پرداخته می‌شود.

وی گفت اگر این روند ادامه یابد، می‌تواند روی بودجه کشور تأثیرات منفي برجا بگذارد.

این مسوول کابل بانک نو گفت که آنان در سه سال گذشته به هدف آماده‌سازی این بانک برای واگذاری به سکتور خصوصی فرصت‌های خوبی را از دست داده‌اند.

چندی قبل کابل بانک نو به هدف فروش به سکتور خصوصی

انفجار ماین سه غیر نظامی را در نیمروز کشت

او افزوده که کشته شدگان شامل یک مرد، یک زن و یک کودک است.

روز گذشته نیز مقامات پولیس در شمال افغانستان اعلام کرد که شورشیان مخالف دولت با کرایه گرفتن کراچی یک کودک بارکش، مواد انفجاری را با آن به مرکز شهر مزار شریف منتقل و در کنار خودروی ارتش ملی افغانستان منفجر کردند که در نتیجه کودک بارکش کشته و دو غیر نظامی زخمی شدند.

روزشنبه هفته گذشته به دلیل انفجار مین کنار جاده‌یی، ۸ غیر نظامی در ولسوالی پنجوایی ولایت قندهار در جنوب افغانستان کشته و دو نفر دیگر زخمی شدند.

در همین حال سازمان ملل در گزارش تازه خود از افزایش ۲۴ درصدی آمار قربانیان غیرنظامی در جنگ افغانستان در نیمه اول سال ۲۰۱۴ خبر داده است. شمار قابل ملاحظه این تلفات ناشی از انفجار مین است.

در این گزارش که ۱۸ سرطان منتشر شد، آمده بود که آمار مجموع قربانیان غیرنظامی به ۱۵۶۴ کشته و ۳۲۸۹ زخمی می‌رسد که بیانگر افزایش ۱۷ درصدی آمار کشته شدگان و افزایش ۲۸ درصدی آمار زخمیان نسبت به زمان مشابه در سال ۲۰۱۳ است.



مقامات محلی در ولایت نیمروز تأیید کردند که انفجار مین کنار جاده‌یی در این ولایت جان سه غیر نظامی را گرفت و سه فرد دیگر را نیز زخمی کرد.

احمد عرب، سخنگوی والی نیمروز به بی‌بی‌سی گفت که یک خودرو سواری نوع تویوتا حوالی ساعت ۱۲ ظهر روز گذشته در روستایی اشکنک ولسوالی چهاربرجک هدف مین قرار گرفت.

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد



برای دانشجویان و اساتید دانشگاه

- سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
- یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی

- سه ماهه - ۱۰۰ دالر
- شش ماهه - ۲۰۰ دالر
- نه ماهه - ۳۰۰ دالر
- یک ساله - ۴۰۰ دالر



- نارسیده به منزل یا دفاتر
- سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
- یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



- سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
- یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰